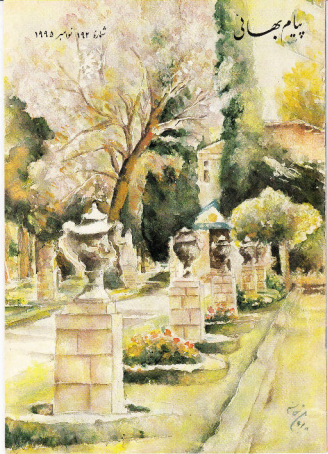


پیام جهانی

شماره ۱۹۲، نوامبر ۱۹۹۵



یادداشت ماه

دوازدهم نوامبر که عالم بهائی تولد حضرت بهاء الله را جشن می‌گیرد فرصت مناسبی است تا بر دیگر آنان که با پیام حیات بخش حضرتش آشنا بوده و گوهر عشقش را در سینه دارند به تفکر نشسته آنچه دست قدرت او برای سرنوشت عالم انسانی رقم زده با آنچه در جهان امروز می‌گذرد مقایسه نمایند. یکصد سال پیش حضرتش گیتی را به صلح و آشتی فراخواند، و هنوز در گوشه و کنار جهان جنگ‌های مهیب شهرها را به ویرانه تبدیل می‌کند، جوانان را بکام مرگ می‌کشاند و صدها هزار آواره و بی‌خانمان در جهان رها می‌سازد. یگانگی و وحدت را تنها داروی شفا بخش دردهای آدمیان دانست و نغمه، جانبخش همه بار یک دارید و برگ یکشاخسار را زیر گنبد گیتی طنین انداز ساخت، اما امروزه بیگانگی و دشمنی و کینه توزی مدار کر جهانیان شده است. ندا به منع تعصبات جاهلیه فرمود تا مرد و زن، سیاه و سفید و بی‌دین و دین‌دار در صلح و آشتی با هم زندگی کنند، و امروز اهریمن سیرتانی که باکی از تباهی جهان و جهانیان ندارند آتش ختلاف را از هر سو دامن زده مردم و قبایل و مذاهب و نژادها را به جان هم می‌اندازند. پاکیزگی و نضافت و جمال و اعتدال در هر کار را اساس امور قرار فرمود تا جهانی پر لطف و زیبا از خر بعدی دنیایی دستخوش زشتی و تباهی و آزر بر آورد، اما افسوس که پلیدی و اهریمنی و زیاده جویی و فرط صورت کریه خود را از هر سو نمودار می‌سازد.

تفکر در آنچه اساس و بنیاد آئین و اعتقادات ماست و آگاهی به راهی بس دراز و سخت که در پیش داریم باید ما را در وظیفه، اصلی خویش، تبلیغ امر استوار تر بدارد.

فهرست مندرجات

از آثار مبارکه / ۳	آوائی که شنیده نشد / ۲۵
چگونه تشکیلات بهائی به مرحله،	غزل برای درخت / ۲۹
بلوغ و رشد می‌رسند؟ / ۵	حکایت مشهدی علی قهوجی / ۳۰
روزگار کودکی و نوجوانی جمال	جامعه، بین المللی بهائی و روابط آن با
اقدس ابهی / ۸	سازمان ملل متحد / ۳۲
در وصف جمال قدم / ۱۵	صدای سحرآسای سنتور مسعود / ۳۸
خاطراتی از خانم اهل بهاء	نگاهی به کتابهای تازه / ۳۹
حضرت ورقه، علیا / ۱۶	از گلخن فانی به گلشن باقی / ۴۱
خزان به خود بهار کن / ۱۹	نامه‌های خوانندگان / ۴۳
بلائی الکل و مواد مخدره / ۲۰	اخبار و بشارات جهان بهائی / ۴۶

تاکستان الهی، شماره، ۹ همراه این شماره توزیع می‌شود.
دنباله مقاله، "در شکوه و شگفتی‌های میعاد" بخاطر کثرت مطالب به شماره‌های بعد موکول شد.
روی جلد: نقاشی آبرنگ بخشی از باغ‌های قصر بهجی، اثر خانم پروین حاتم. پشت جلد: پائیز.

این قرن بلوغ عالم انسانی است

از خطابه حضرت عبدالبهمن در بروکلین (۱۹۱۲ ج ۱)

عالم امکان نظیر انسان است انسان بمقام لفظ ، مقام شیر خواری ، اوقات نشوونما ، وقت تیزورشد ، وقت بلوغ دارد همین طور عالم امکان در جاتی دارد .. عالم امکان نیز یک زمانی بود که شیر خوار بود بعد مثل طفل مراقب شد روز به روز نشوونما نمود حالا به عالم رشد رسیده است این قرن سلطان قرون است این عصر آئینه جمیع اعصار است آنچه در قرون اولی بوده صور جمیع در این آئینه آشکار است و از آن گذشته ، نفس این قرن بحالات خاصه دارد ، آکشافات عظیمه دارد ، صنایع بدیعه دارد ، تاسیسات عجیبه دارد ، علوم غریبه دارد و از جمیع جهات : در نهایت کمال جلوه نموده و خواهد نمود یعنی فضائل قرون سابقه ، صنایع قرون سابقه ، خصائل قرون سابقه و آکشافات قرون سابقه را دارد با وجود این فیصلت خاصه ، صنایع و آکشافات خاصه این قرن را هم دارد که در قرون سابقه ابدان نموده مثلاً در قرون سابقه فن معماری بوده و در این قرن به نهایت بلوغ رسیده ، اما این قوه برقیه بوده ، این تلگراف که به دقیقه با شرق و غرب مخابره کند نموده ، این فونوگراف نموده ، این تلفون نموده ، اینها از خصائص این قرن است .

در این قرن فضائل قرون قدیمه و فضائل متروک جده موجود اند این قرن جامع قرون و ممتاز از جمیع است و سلطان قرون است و آفتاب جمیع اعصار است چون مادر این قرن هستیم به شکرانه این موهب باید قیام بر اعمال کنیم که سزاوار این قرن است مثلاً چون انسان به بلوغ رسد باید احوال و اطواری داشته باشد که سزاوار سن بلوغ است همین طور این عالم امکان چون ترقی کرده باین درجه رسیده که قرن انوار است قرن ظهور سراسر است قرن فضائل عالم انسانی است قرن روز خداست قرن ملکوت الهی است باید ما به آنچه سزاوار این قرن است رفتار نماییم چه که امکان به درجه بلوغ رسیده و اگر تا به حال به درجه بلوغ نرسیده قریب به بلوغ است ملاحظه کنید که دایره عقول و دایره افکار چه قدر اتساع

یافته اکتشافات جدید چه قدر زیاد شده ، تأسیسات عظیمه چه قدر ظهور یافته ، صنایع بر بعه چه قدر جلوه نموده ، علوم نافع چه قدر انتشار یافته با وجود این مواهب الهیه ، آیا سزاوار است که بشر در دریای مادیات تسفق با در عالم طبیعت اسیر باشد ؟ ... چون کالات جسمانی به اعلی درجه رسیده همین طور کالات روحانی باید به اعلی درجه برسد تا خاطر و باطن انسان روشن گردد و سعادت دنیوی و سعادت ملکوتیه هم در دو حاصل شود فضائل صغیه و فضائل الهیه همه ظاهر گردد هر چند فکر انسان مرآت حقایق اشیا است یعنی در انسان قوه ای هست که آن قوه کاشف حقایق است همین طور حقیقت انسان مرآت انوار ملکوت است استعداد دارد که حقایق ملکوتیه در او جلوه کند و سراسر الهیه در او ظاهر گردد و صور مظاهر اعلی در او انطباع یابد پس اگر بر دو جهت یعنی جهت جسمانی و جهت روحانی هر دو مرتبه نماید آن وقت حقیقت انسانیة در نهایت جمال و کمال جلوه کند آنقدر که خداوند در این قرن حسربانی را بر ما گشوده بر شمس را برای ما روشن نموده باران رحمتش را احاطه کرده نسیم عنایتش فرزیده از هر جهت اسباب کمال از برای ما فراهم نموده جان نریست که ما این مواهب الهیه را احذر در بسیم این فیوضات رحمانیه را احذر در بسیم این انوار لاهوتیه را احذر در بسیم باید به جان دل بگوئیم تا این مواهب الهیه در حقیقت انسانیة به کمال قوت جلوه کند تا بشود آینه ملکوت رب جلایل گردد و عالم ماسوت آینه ملکوت شود آن وقت سعادت دنیوی و سعادت اخرویة مواهب الهیه رویت عظیمه نورانیت ملکوتیه از برای عالم بشر حاصل گردد ...

(خطبات شماره ۲ - ج ۲ - ص ۱۸۱ - ۱۸۵)

معانی لغات و ثواب

مراحتی - تازه بستن بلوغ رسیده ، خصائل - صفات و خصلت ها ، سالفه پیشین ، فنوغراف - ضبط صوت ، گرامافون مواهب - بخشش ها و نعمت ها ، اسکان - عالم وجود ، اتساع - گشایش .

چگونه تشکیلات بهائی

به مرحله بلوغ و رشد می‌رسند؟

آنکه به خلاف دستگاه‌های اداری جهان خارج، منجمله عالم غرب که معطوف به کسب قدرت و جاه و مقام و سلطه و سروری است، نظام اداری بهائی معطوف به ارائه خدمت همراه با روح ایثار و فداکاری است. دو دیگر آنکه خادمان دستگاه اداری بهائی خود را مجاری عبور و نفوذ قوه، خلاقه، امر الهی می‌بینند و همه، سعی و همتشان در آن است که خویش را در خدمت این قوه، خلاقه گذارند و در نتیجه برای خود شأن و اعتبار خاصی قائل نبوده و نیستند.

چون تشکیلات بهائی به خدمت گرایش دارد و خادمان آن قصد احراز منافع و امتیازات شخصی ندارند در نتیجه هرگز کارگردانان این تشکیلات طبقه، ممتاز جداگانه‌ای را تشکیل نمی‌دهند و به جای امر و نهی و تحکم و تحمیل فکر و عقیده که در تشکیلات خارج امر الهی مرسوم و معمول است چشم و گوششان به روی جامعه گشوده است، با مهر و شوق با افراد جامعه مشورت می‌کنند و از افکار آنان بهره، معنوی می‌جویند و در عین حال که وظیفه، «حساب پس دادن به جامعه» را ندارند جامعه را از نقشه‌ها و اقدامات خود مطلع می‌کنند و ضمناً از آرزوها و نیات جامعه مستمراً خبر می‌گیرند و به عبارت دیگر رابطه، آنان با جامعه به حقیقت دموکراتیک است. از این سه نکته که بگذریم خصیصه، دیگری که خادمان تشکیلات اداری بهائی اعم از محلی و ملی باید در احرازش کوشا باشند هشیاری به

در آثار مبارکه، حضرت ولی‌عزیز امرالله به سه تحول عمده، متوازی که قطعاً باید در همین قرن حاضر یعنی قرن بیستم آغاز شود و در قرن بعد به کمال خود رسد اشارت رفته است:

حرکت به سوی صلح اصغر یا صلح سیاسی، تکمیل ابنیه، قوس کرمل و آمادگی نهادهای جهانی بهائی برای ایفای وظائف بین‌المللی روزافزونی که بر عهده دارند و سرانجام نیل تشکیلات ملی و محلی بهائی به مرحله، بلوغ و رشد برای آنکه به هنگام خود پناهگاهی برای بشر سرگشته باشند و به عنوان الگو و سرمشق و محور نظم نوین جهان مطرح شوند.

بی‌گمان این سؤال بر لوحه، ذهن پژوهنده، همه، دوستان عزیز ما نقش بسته است که شاخص و معیار بلوغ و رشد اداری چیست و چگونه تشکیلات بهائی که چنین وظائف خطیری را در آینده، آیام به دوش خواهند کشید باید خود را برای نیل به این مرحله، پختگی و رسائی آماده کنند؟

وقتی نصوص مبارکه را در این مورد زیارت می‌کنیم توجهمان به چندین نکته، اساسی جلب می‌شود که به اعتباری می‌توان آنها را نشانه، رسیدن به مرحله، بلوغ و رشد دانست.

در مقاله‌ای که پروفیسور ویلیام هاچر (کانادا) سالها پیش (اوت ۱۹۸۲) در ماهنامه، بهائی نیوز نشر کرده است به دو سنجیه، اساسی تشکیلات اداری بهائی اشاره می‌کند. نخست

تقدّس این تشکیلات است از جهت آنکه منسوب به حضرت بهاء‌الله است و ملک احدی از کارگردانان تشکیلات نمی‌تواند تلقی شود. عضو تشکیلات همواره محبوب عالمیان را حاضر و ناظر می‌بیند و وقتی فی‌المثل به محفل روحانی وارد می‌شود خویش را در محضر حق مشاهده می‌کند و مسئول در بارگاه الهی می‌داند. ناچار چنین فردی در آن خواهد کوشید که با وظائف مؤسسات اداری و تکالیف اعضای آنها چنان که در نصوص مبارکه آمده بدرستی آشنا شود و در رعایت و کاربرد آنها از هیچ مجاهدتی دریغ ندارد.

پنجمین نشانه، وصول به مرحله بلوغ و رشد، محبت و وحدت در میان اعضای مجلس شور است. به فرموده حضرت مولی‌الوری «اگر وحدت حال و یگانگی بی‌ملال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی‌سر و سامان.»^۱ تنوع افکار و عقائد که سبب غنای شور و مشورت می‌شود نباید خللی بر بنیان محبت و وحدت وارد کند. هدف مشورت همان رسیدن به اتفاق نظر است و اتحاد و اتفاق به تصریح نصوص مبارکه از اهم امور بلکه هدف و مقصد این ظهور است. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: «مقصد از ظهور و ذکر و بیان آنکه نفاق برخیزد و بجایش اتفاق مقام اخذ نماید.»^۲

ششمین نشانه، بلوغ اداری آن است که محفل روحانی و مؤسسات اداری که در حول و حوش آن هستند بتوانند همه نیروهای جامعه را تجهیز کنند و به خدمت این امر جلیل گیرند. وقتی اعضای تشکیلات خود را به چشم طبقه، امتیازی ندیدند و همه کس را برابر خود بلکه مخدوم‌مہتر خویش دانستند بی‌گمان در کشف استعدادها و بکار انداختن آنها در مسیر امر الهی

کوشش می‌کنند و هیچکس را از موهبت بندگی آستان احدیت محروم نمی‌سازند. فی‌الحقیقه نیرو و قدرت در هر فرد بهائی مستتر است و وظیفه، کارگردانان تشکیلات دقیقاً بسیج کردن و راه نمودن این نیرو و قدرت است و این مشابه همان اصلی است که در نظامات دموکراتیک به آن اشاره شده و گفته‌اند که همه قدرت‌ها منبعث از ملت است.

در نصوص مبارکه، حضرت ولی‌امرالله آمده که بهترین محفل روحانی آن است که بتواند همه جامعه را به خدمت امر الهی گمارد و اولین شاخص رهبری (Leadership) توانائی فرد یا محفل روحانی در استفاده از قدرت و اهلیت همه افراد پیروان امر حضرت احدیت است.^۳

هفتمین نشانه، بلوغ توانائی گسترش است. موجود زنده ناچار پوینده و روینده است. جامعه‌ای که بسط و توسعه نمی‌یابد و تبلیغ و نشر کلمه الهی را به عنوان اکیلیل اعمال، وظیفه اصلی خود نمی‌شمرد بیشتر به مردگان می‌ماند. این پویندگی و رویندگی مستلزم مشارکت عمومی در ابلاغ کلمه و تقلیب روحانی نفوس است. بسط و توسعه، جامعه ناچار عناصر و گروه‌هایی را وارد جامعه می‌کند که لزوماً با افراد قبلی جامعه هم‌طبقه یا از جهت فرهنگی همسان و همگونه نیستند و اینجاست که باید تشکیلات بهائی آن توانائی و صلاحیت را بدست بیاورند که جامعه، متنوع الاجزاء را اداره و هدایت کنند و مسائل تازه‌ای را که ناچار افراد تازه رسیده با خود می‌آورند با متانت و حسن تدبیر و حکمت چاره‌جویی نمایند. هر گسترش و توسعه سریع ناچار تعادلهای گذشته را بهم می‌زند و خدام تشکیلات باید خود را از قبل برای مواجهه با وضع تازه آماده کنند.



اعضای لجنات ملی در ایران، ۱۹۳۳ میلادی

همکاری و همفکری و همراهی صمیمانه، دو جناح انتخابی و انتصابی است که هرچند وظائف مشترکی در بسط و اشاعه، پیام الهی و حفظ و حمایت امر و جامعه بهائی دارند اما روشهای آنها متفاوت و مکمل یکدیگر است. جناح انتخابی نقشه می‌ریزد و سازمان می‌دهد و جناح انتصابی افراد جامعه را برای مشارکت فعال در آن نقشهها و شرکت مؤثر در آن خدمات تشویق و ترغیب می‌کند. آن يك فعالیتهای جامعه را راهنمایی و تلفیق می‌کند و این يك با شکوفان کردن استعدادات افراد به مدد کلمه، خلاق حق این استعدادات را به آن فعالیتهای سوق می‌دهد. در امر مبارك همه چیز مزدوج است: دو ظهور، دو ام الكتاب، دو محل حج، دو شهر مقدس... و بالاخره دو رکن یا دو جناح نظم اداری که اگر به یکدیگر یاری کنند، این بنای مستحکم سر به افلاک می‌زند و طائر آرزوها زودتر به سرمنزله مقصود می‌رسد.

یادداشتها

- ۱- مکاتیب، جلد سوم، ص ۵-۶.
- ۲- گلزار تعالیم بهائی، ص ۶.
- ۳- نظر شود به مجموعه، انگلیسی محفل روحانی محلی، صص ۱۸-۱۹.
- ۴- نشر دوم، ۱۹۸۸، ص ۴۲.

بی‌گمان تشکیلات بهائی وظائف عدیده‌ای دارند. در اینجا دو وظیفه اساسی آنان را می‌توان یادآور شد که در عین حال ایفای آنها نشانه، بلوغ و رشد تشکیلات است: یکی ایجاد فضائی گرم و صمیمی و شاد و پرتحرک در جامعه و دیگری کمک به رشد روحانی و افزایش معلومات امری و تشویق به خدمتگزاری فرد فرد آحاد جامعه.

در نامه‌ای که بیت العدل اعظم الهی در تاریخ ۲۰ جولای (ژوئیه) ۱۹۷۲ به محفل روحانی ملی بولیوی مرقوم داشته و در کتاب Lights of Guidance^۴ نقل شده معهد اعلی^۱ به تفصیل از اهداف محافل روحانی محلی در طریق نیل به رشد و بلوغ کامل یاد می‌فرماید و از جمله آن اهداف است: ایفای وظیفه، يك شبان مهربان در حق جامعه، عزیزان، ترویج وحدت و الفت در میان یاران، هدایت کار تبلیغ و انتشار پیام حق، حفظ و صیانت امر الهی، تنظیم و اداره، جلسات و ضیافت، آشنا کردن جامعه با نقشه‌های خود و دعوت اعضای جامعه به ارائه، نظرها و پیشنهادهاى خویش، تأمین رفاه و ترقی اطفال و جوانان و بالاخره مشارکت در فعالیتهای خدمات انسان‌دوستانه در حد امکان.

نهمین نشانه، بلوغ و رشد نظام اداری بهائی

روزگار کودکی و نوجوانی جمال اقدس ابهی

دکتر نصرت الله محمد حسینی

به مناسبت خجسته میلاد جمال ابهی، اهداء به مادر عزیز و فداکارم بانو قدسیه آلداف که نخستین بار مرا عشق بهاء و خواندن و نوشتن آموخت.

میلاد جمال ابهی

پیش از بامداد روز دوم محرم سال ۱۲۳۳ از گاهشمار تازی (دوازدهم نوامبر ۱۸۱۷) در شهر طهران کودکی زاده شد که جهان او را به نام «حضرت بهاء الله» شناخت. صدها سال بود که پارسیان (چون دیگر مردم جهان) بر پایه پیشگوئی‌های پاک‌نوشته‌های خویش برای دیدار این رادمرد بزرگ آسمانی روزشماری می‌نمودند. سرانجام چهره سیوشانت، بهرام ورجاوند و یا بهرام‌شاه (بهاء الله) نمودار^۱ و ابرهای تیره نادانی و دشمنی در جهان آدمی پراکنده گشت. در پاک‌نوشته‌های پارسیان بارها مژده دیدار آن دلدار آمده است و به فرموده حضرت بهاء الله: «آنچه در نامه‌ها مژده داده‌اند... هویدا گشت.»^۲ به فرموده حضرتشان: «امروز کیش یزدان پدیدار. جهاندار آمد و راه نمود. کیشش نیکوکاری و آئینش بردباری. این کیش زندگی پاینده بخشد و این آئین مردمان را به جهان بی‌نیازی رساند. این کیش و آئین دارای کیشها و آئین‌هاست. بگیری و بدارید.»^۳ در پاک‌نوشته‌های زرتشتیان زایش آن رادمرد بهشتی و پیدایش بنیادگذار مهر و آشتی سه هزار سال پس از پیدایش حضرت اشو زرتشت پیشگوئی

گشته است.^۴ این مژده و پیشگوئی با پیدایش بنیادگذار آئین جهانی بهائی جامه هستی به تن کرد. به فرموده حضرت بهاء الله: «چشم پاک باید تا بشناسد و زبان پاک باید تا بستاید.»^۵

نیاکان جمال ابهی

در یکی از پاک‌نوشته‌های زرتشتی از زبان خداوند در گفتگو با حضرت زرتشت چنین آمده است: «و اگر ماند از مهین چرخ یکدم برانگیزانم از کسان تو کسی را و آب و آئین را به او رسانم و پیغمبری و پیشوایی از فرزندان تو برنگیرم.»^۶ حضرت بهاء الله از نژاد حضرت زرتشت بوده‌اند.^۷ حضرت بهاء الله از نژاد اسپهبدان مازندران‌اند که نیاکان آنان شاهنشاهان ساسانی‌اند.^۸ به گفته دیگر جناب میرزا بزرگ وزیر نوری پدر ارجمند حضرت بهاء الله از نژاد ساسانیان‌اند^۹ و زنجیر بستگی ایشان به یزدگرد سوم شاهنشاه ساسانی می‌رسد.^{۱۰} از سوی دیگر چون مادر ساسان از نژاد اسرائیل (حضرت یعقوب) بوده است^{۱۱} نژاد جمال ابهی به اسرائیل می‌رسد. حضرت بهاء الله از راه دیگر نیز از نژاد حضرت ابراهیم‌اند زیرا از فرزندان قطوره همسر نامبرده‌اند. سرانجام به



منظرهای از طهران قدیم

آیا در زمان ما خطاطی پیدا می‌شود که چون میرعماد خوش بنویسد. حسن علی میرزا شجاع السلطنه جناب میرزا عباس را معرفی نمود. چون شاه خط جناب ایشان را که به شیوه میرعماد نوشته بودند ملاحظه کرد بی‌نهایت تجلیل و تحسین نمود و دستور داد به ایشان خلعت و لقب میرزا بزرگ داده شود و مردم تا کر از پرداخت مالیات معاف گردند. جناب وزیر از آن پس به میرزا بزرگ شهرت یافتند. ایشان مدت‌ها وزارت شاهزاده امام‌وردی میرزا رئیس ایل قاجار و پسر فتحعلی‌شاه را به عهده داشتند و سال‌ها در لرستان و بروجرد با عدالت حکومت کردند.^{۱۲} مناصب مهمه، دیگر و ثروت سرشار نیز داشتند ولیکن پس از مرگ فتحعلی‌شاه و جلوس محمدشاه و صدارت حاج میرزا آقاسی به علت خیانت و خصومت بی‌حد شخص اخیر و عوامل دیگر به تدریج مناصب و اموال خویش را از دست دادند. صعود جناب وزیر در سال ۱۲۵۵ هجری قمری (۱۸۳۹ میلادی) واقع گشت. ایشان در انشاء و هنر خوش‌نویسی کم‌نظیر و مورد احترام و محبت بزرگان ادب و سیاست ایران چون میرزا

فرموده، حضرت ولی‌امرالله نژاد حضرت بهاء‌الله به یسی پدر حضرت داود می‌رسد.^{۱۳} این نکته‌ایست که طبری نیز در تاریخ خود بدان اشاره کرده و مادر ساسان را اصلاً از احفاد حضرت داود دانسته است (جلد دوم، ترجمه، فارسی، ص ۴۸۵). بدین‌گونه پیشگوئی‌های تورات مقدس نیز در باب ظهور شاخه‌ای از درخت یسی و جلوس حضرت موعود بر کرسی داود تحقق یافته است.

والد جمال ابهی

جناب میرزا عباس نوری والد حضرت بهاء‌الله در قریه، تاکر (از قراء نور سازندران) تولد یافتند و در ایام نوجوانی به توصیه پدرشان (رضا قلی بیک تاکری) با نخستین همسر خود ازدواج نمودند. هنوز جوان بودند که مورد توجه پادشاه ایران فتحعلی‌شاه قاجار قرار گرفتند و به دربار راه یافتند. علت اصلی تقربشان در بساط سلطنت ایران این بود که روزی فتحعلی‌شاه نمونه‌ای از خط میرعماد خطاط برجسته، ایران‌زمین را ملاحظه نمود و از اطرافیانش پرسید

در اوج خود بود. غالب ناس غرق در اوهام و خرافات مذهبی، رؤسای ادیان و حکومتات استبدادی در نهایت ستمگری و جماعات مردم بی‌سواد و تهی‌دست و محروم از حقوق حقه، انسانی خویش بودند. پس از تولد و ظهور جمال اقدس ابهی انقلابی عجیب در آراء و افکار مردم جهان پدید و عصر احترام به حقوق انسانی آغاز گشت. چشمه‌های اختراع و اکتشاف به نحوی کاملاً بی‌سابقه جوشید و سطح ارض به کلی دگرگون شد. به گفته نویسنندگان تاریخ علوم، انقلاب فکری و فنی قرن نوزدهم عظیم‌ترین موج نبوغ انسانی در دریای وجود بود. با جرأت می‌توان گفت که این تحولات عظیم بی‌تردید از نتایج طلوع شمس حقیقت و مظهر حضرت الوهیت بوده و هست.

زادگاه جمال ابهی

می‌دانیم که نیاکان حضرت بهاء‌الله از مردم مازندران بوده‌اند و پدرشان در تاگر از قراء اقلیم نور می‌زیسته‌اند که بعداً به طهران کوچ کرده‌اند ولیکن مرتباً به آن قریه می‌رفته‌اند. اقلیم نور در استان مازندران بیش از دویست دهکده و ده را در زیر پوشش خود دارد و سرزمین مقدسی است که بارها چشمان مبارک جمال ابهی بر نقاط مختلف آن نظر کرده است. اما زادگاه جمال ابهی شهر طهران است. به فرموده حضرت عبدالبهاء: «در محله دروازه شمیران در سرای طالار حیاط باغ تولد مبارک واقع گشت.»^{۱۵} طهران روزگاری دراز دهکده‌ای گمنام بود. شاید نخستین سند معتبر تاریخی که از آن نام برده کتاب «المسالک و الممالک» ابو اسحق استخری باشد که در اوایل قرن چهارم هجری (دهم میلادی) نگارش یافته است.^{۱۶} این قریه



بیت جمال مبارک در طهران

ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، یغمای جندقی، شاهزاده دانشمند ملک قاسم میرزا و منوچهرخان معتمدالدوله بوده‌اند.^{۱۷}

اوضاع جهان به هنگام تولد جمال ابهی

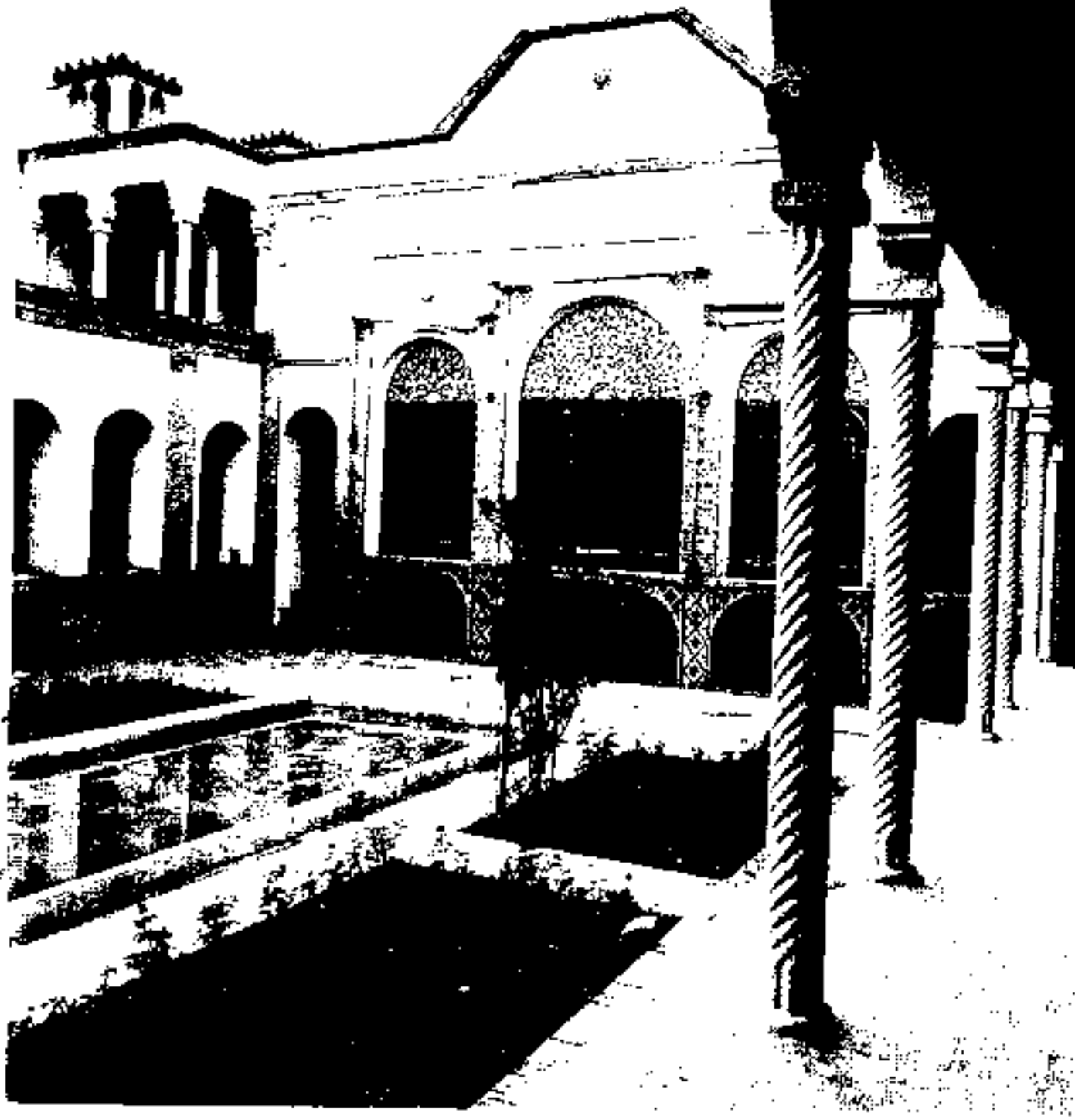
در اوایل قرن نوزدهم میلادی که محبوب عالمیان در طهران تولد یافت آسمان کشور ایران را ابرهای تعصب و ستمگری و فساد احاطه نموده بود. فتحعلی‌شاه قاجار و درباریان غرق در هوسرانی‌های خویش و علماء دین در اندیشه، اندوخته‌های کم و بیش، مردم ایران در چاه نادانی فرو رفته و بنده‌وار از عالمان دین فراگرفته غرق در فساد و اهواء خویش بودند. در دیگر سرزمین‌ها نیز فساد و تعصبات نژادی و مذهبی

گذشت. هنگام تولد جمال ابهی در طهران همان گونه که گفتیم شهرت جناب وزیر وفیر و ثروتشان کثیر بود. خواب و آرامش جمال ابهی در دوران کودکی در بستر پرتیان بود. آن ایام به فرموده، حضرت باب ایام سرور من یظهره الله بود.^{۱۸} یا اسفا که آن راحتها پس از طلوع امر بدیع به زحمتهای بدل گشت و محنت جمال ابهی از حجم محن همه، انبیاء عظام درگذشت.

والده، جمال ابهی

والده، جمال ابهی خدیجه خانم نام داشتند. ایشان اهل قریه، فیول از قراء میانرود علیا (دهات ییلاقی نور) بودند. فیول در سه کیلومتری جنوب شرقی تا کر قرار دارد. خدیجه خانم پیش از ازدواج با جناب وزیر همسر دیگری داشتند و از آن همسر صاحب سه فرزند به نامهای میرزا محمد علی، صفری خانم و سکینه خانم ملقب به طلالن خانم شدند. اما خدیجه خانم از جناب وزیر علاوه بر حضرت بهاء الله صاحب چهار فرزند به نامهای نساء، خانم، میرزا مهدی، ساره خانم و میرزا موسی (جناب کلیم) شدند. حضرت بهاء الله از همه فرزندان جناب وزیر نزد پدر و مادر خویش عزیزتر بودند. وجه نورانی، جمال سبحانی، جذبه، آسمانی، رفتار رحمانی، کرم و سخاوت ربانی، ایشان را در میان خویش و بیگانه یگانه کرده بود. اگرچه به مدرسه تشریف نبردند^{۱۹} و جز اندکی خواندن و نوشتن نزد پدر بزرگوار خویش فرا نگرفته و لکن به استناد آثار باقیمانده از همان دوران کودکی خط و نوشته، ایشان ممتاز بود. در یکی از مکاتیب ایشان که از دوران کودکی حضرتشان باقی مانده است خطاب به یکی از بستگان مبارک می فرمایند: «هو المحبوب،

اندک اندک گسترش یافته تا در سال ۱۲۰۰ هجری قمری (۱۷۸۵ میلادی) بوسیله، آقا محمد خان قاجار به عنوان پایتخت سلطنت ایران برگزیده شده است.^{۱۷} طهران در احیان تولد جمال ابهی چهار محله، بزرگ به نامهای عودلاجان، سنگلج، بازار و چال میدان داشت. هر محله به محلات کوچکتر بخش می گردید. محله، دروازه شمیران (زادگاه جمال ابهی) در محله، بزرگتر عودلاجان قرار داشت. نگارنده بارها به زیارت اماکن متبرکه، محله، عودلاجان خصوصاً کوچه، میرزا آقاخان و بیت جمال ابهی فائز گردیده است. محله، عودلاجان دروازه ای به نام دروازه شمیران داشت که اصولاً معبر و مسیر حرکت شاه به عسرت آباد، سلطنت آباد و کاخ صاحبقرانیه (در ایام ناصرالدین شاه) بود. نگارنده هنگام زیارت زادگاه جمال ابهی بیان مبارک حضرتشان را به یاد می آورد که خطاب به طهران می فرمایند: «یا ارض الطاء، یاد آور هنگامی را که مقر عرش بودی و انوارش از در و دیوارت ظاهر و هویدا.» اگر فانی بوسه بر هر وجب از خاک طهران می زد بجا بود زیرا هر نقطه بارها منظر جمال ابهی گشته بود. باری، اطراف طهران را خندقها فرا گرفته بود و شهر مذکور دارای شش دروازه بود که رفت و آمد به شهر تنها از میان آنها میسر بود. این بود طهران ایام کودکی جمال ابهی. طهران پیش از آنکه پایتخت ایران شود حدود بیست هزار نفر جمعیت داشت. در ایام حیات جمال ابهی جمعیت آن به یکصد و پنجاه هزار نفر بالغ گردید و اینک جمعیت این شهر بزرگ از ده میلیون متجاوز است. این شهر به تصریح جمال ابهی در کتاب مستطاب اقدس افق نور و مطلع فرح عالمیان است و ایوانش از کیوان خواهد



بیت مبارک در طهران

مصدق کامل یافت. خانه، جناب وزیر در طهران محل نزول برجسته‌ترین رجال علم و عرفان و مردان حکومت و سیاست ایران بود. همه، این رجال از میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی گرفته تا امیر قائنات و یغمای جندقی شیفته، گفتار و رفتار جمال اقدس ابهی در نوجوانی آن حضرت بودند، نوجوانی با موهای بلند سیه‌فام که بر شانه‌های مبارکش می‌ریخت، با ابروان و چشمان و اصولاً سیمائی که بیننده را مات و مبهوت می‌نمود، با خضوعی که شیوه و شیمه، همه انبیاء الهی بود و با بیانی مسحورکننده که چهره‌ای جاودانه و فراموش ناشدنی بر صفحه، تاریخ تصویر می‌فرمود. بی‌سبب نبود که آن نفوس برجسته در وصفش سخن‌ها گفته‌اند و مدایح زیبا انشاد کرده‌اند. حتی حاج میرزا آقاسی در سال‌های نوجوانی حضرتشان و پیش از ظهور امر بدیع بدان حضرت ارادت بسیار داشت. آنچه طاهره، جاودانه سال‌ها بعد در باب جمال ابهی فرمود از همان آغاز نوجوانی حضرتشان مشهود بود:

شمس ابهی جلوه‌گر گردید و جان عاشقان
در هوای طلعتش چون ذره رقصان آمده

انشاءالله در سایه رحمت رحمانی و قباب عنایت سبحانی ساکن و مستریح باشید. بر حسب ظاهر من کوچکم، خط ندارم و لکن چون این امی به سدره، الهی متمسک است بی‌علم می‌خواند و بی‌خط می‌نویسد و این در عالم باطن نزد اهل بصر مشهود است. اغیار از این سر آگاه نبوده و نیستند. «باری، خدیجه خانم بی‌نهایت تعلق خاطر به جمال ابهی داشتند. از حالات آن حضرت حیران بودند زیرا حضرتشان هرگز گریه و فغان و زاری و بی‌تابی نمی‌نمودند. جناب وزیر در قریه، تا کر قصری ملوکانه ساخته بودند و جمال ابهی غالباً ایام تابستان را در آن قصر سپری می‌نمودند. جناب وزیر که گوئیا ملهم بودند در موضعی از مواضع قصر مذکور این دو بیت را به خط خویش مرقوم نموده بودند:

بر درگه دوست چون رسی گولیک
کانجا نه سلام راه دارد نه علیک
این وادی عشق است نگه دار قدم
این ارض مقدس است فاخلع نعلیک
جمال ابهی در آن روزها با آنکه در نهایت راحت می‌زیستند دنیا در نظرشان نیستی به صورت هستی آرایش یافته بود. از همان دوران کودکی و پس از مشاهده، نمایش شاه سلطان سلیم (خیمه شب بازی) به نوعی که در لوح رئیس فارسی فرموده‌اند دنیا از دیدشان بازیچه‌ای بیش نبود. رؤیاهای عجیب والدین و بستگان و آشنایان مبارک در ایام کودکی حضرتشان که همه به عظمت مقام آتی ایشان در عالم انسان تعبیر می‌گشت به مرور ایام

خانم را که زرگران حرفه‌ای به مدت شش ماه در خانه، میرزا اسمعیل وزیر ساخته بودند همراه با دیگر بخش‌های جهیز، چهل قاطر به خانه داماد حمل نمود. مهر و صداق داماد "پانصد تومان وجه اشرفی" طلا (شاید در کیسه‌های تافته، سرخ رنگ) "شش‌دانگ حیاط فتح الله خانی" و دو جاریه و یک غلام (به همان رسم پیشین ایران زمین و اسلام) به بهای هشتاد تومان بود. سپس خطبه، عقد در کنار سفره، گسترده و حضور بستگان و دوستان قرائت گردید. آسیه خانم زیبا و مهربان از همان روزهای نخستین در اندیشه، رفاه جمال اقدس ابهی بود. هرگز در انجام وظائف مادری و همسری کوتاهی نفرمود. با همگان مهربان بود. هم او بود که با دست‌های لطیف و زیبای خویش مرهم بر چشمان تقریباً نابینای نبیل زرنندی چوپان نوجوان به ظاهر مسکین می‌نهاد. و هم او بود که در دل زمستان سرد کوه‌های مغرب ایران در آب یخ لباس‌های جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء را می‌شست و نظیف می‌فرمود. دُخت عالی‌مقامش حضرت بهیه خانم ورقه، علیا می‌فرمایند که: «مادرم قامتی بلند و زیبا و چشمانی به رنگ آبی تیره داشت. وی بسان مرواریدی بود تابان و گلی زیبا و خندان در میان نسوان. دختری بود هوشمند و در عین حال محبوب و مهربان. به هر کجای قدم می‌گذاشت فضا را آکنده از عشق و سرور می‌نمود.»^{۲۱} آسیه خانم نیز از قلم ابهی به ورقه، علیا تسمیه گشته است. پس از صعودش از مدینه، عکا به ملکوت ابهی^{۲۲} همه دل‌ها شکست و دیدگان همگان گریان گشت. جمال اقدس ابهی فرمود که حضرت آسیه خانم در همه عوالم لانه‌ایه الهیه با حضرتشان قرین و معاشر است. علیها رضوان الله الابدی و السناء

این نوجوان زیبا، فروتن، خوش بیان، مردم‌دار، ملجأ بیچارگان و آوارگان و محبوب همگان از دوستان و دشمنان مقدر بود اعظم مرتبی عالم انسان گردد. نامش از ابتدای هستی "بهاء" بود و ذکرش در کتب مقدسه، ملل مذکور. الفاظ "بهاء" و "بهاء‌الله" در جمیع کتاب‌های آسمانی گاه به تلویح و گاه به تصریح راجع به حضرتش بود. بهاء خداوند بود و بهاء عالمیان.

اقتران جمال ابهی

چنان مقدر بود که از اقتران جمال ابهی و حضرت آسیه خانم کودکی پدید شود که مهندس و مروج نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله گردد: حضرت عبدالبهاء فرزند حضرت بهاء‌الله، غصن اعظم شجره مقدسه، الهیه. آن حضرت عبدالبهاء که به قول عباس خان طاهری علیه رضوان الله:

گر حیات جاودان خواهی به شهر عشق رو کن
چشمه آب حیات آنجاست خود را شستشو کن
گوهر اشکی نثار تربت عبدالبهاء بر
ور قبول خاطر اقتد هرچه خواهی آرزو کن
آسیه خانم حرم حضرت بهاء‌الله فرزند برومند
جناب میرزا اسمعیل وزیر یالرودی و دختری زیبا
و مهربان بودند. آنچه در قباله، نکاحشان با
جمال اقدس ابهی آمده گوئی الهام خداوند بوده
است: «زیباترین عروسی که مشاطگان فکر و
اندیشه در حجال خیال به زیور کمال آراسته.»
دوران نامزدی این زوج جلیل کوتاه بود و مراسم
عقد و عروسی با حضور جناب وزیر و خدیجه
خانم برگزار گردید. این عروسی مظهر همه
عروسی‌های زیبا و گیرای بزرگان ایران زمین بود.
روز پیش از عروسی طلاآلات و جواهرات آسیه



محر
کومت
تسه
حرفی
ی
که بر
ر
ر
د
ب
صورت
ب
تسه
قسی
ر
ر
همان
سه

السرمدی. باری، ایام نوجوانی جمال اقدس ابهی پس از اقتران با آسیه خانم به پایان رسید. در آن اوقات تقریباً نوزده ساله بودند و در اوج ایام سرور حیاتشان. از آسیه خانم پیش از تولد حضرت عبدالبهاء چند فرزند پدید گشت و لکن چرخ تقدیر بر بقاء آنان نگشت و مقدر بود در سال ستین (۱۲۶۰) جهان به طلوع مولی العالمین حضرت عبدالبهاء منور گردد. افتتاح دور بدیعی شود و کور بهاءالله آغاز گردد.

یادداشتها

- ۱- God Passes By، اثر قلم حضرت ولی امرالله، طبع ویلمت، ۱۹۷۰ میلادی، ص ۹۵.
- ۲- لوح جمال ابهی به اعزاز استاد جوانمرد، مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله، طبع مصر، ۱۹۲۰ میلادی، ص ۲۴۲.
- ۳- مأخذ بالا، ص ۲۴۲.
- ۴- گوهر مزده یاد شده چنین است: «ای زرتشت، از تو تا کیومرث سه هزار سال است و از تو تا روز رستاخیز سه هزار و تو را میانه آفریدم.»
- ۵- لوح استاد جوانمرد، مجموعه الواح مبارکه، حضرت بهاءالله، ص ۲۴۱.
- ۶- رجوع فرمایند از جمله به نوشته جناب ابوالفضائل در خصوص رساله مفقوده مربوط به سلسله نسب جمال ابهی مندرج در کتاب مصابیح هدایت، جلد دوم (تألیف جناب عزیزالله سلیمانی اردکانی) طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع، ص ۲۵۹ (نقل از کتاب دساتیر).
- ۷- God Passes By، ص ۹۴.
- ۸- رجوع فرمایند به: الف- مصابیح هدایت، جلد دوم، نوشته جناب ابوالفضائل، صص ۳۶۴-۳۶۰.
- ب- Baha'u'llah: The King of Glory، تألیف ایادی امرالله جناب حسن موقر بالیوزی، طبع اکسفورد: جرج رونالد، ۱۹۸۰ میلادی، صص ۱۲-۹.

۹- از جمله رجوع فرمایند به کتاب نژادنامه (خطی) به قلم رضا قلی خان هدایت مؤلف روضة الصفاى ناصری.

۱۰- God Passes By، ص ۹۴.

۱۱- از جمله رجوع فرمایند به فصل بیست و چهارم از مجلد دوم کتاب مروج الذهب تألیف ابوالحسن علی بن مسعود معروف به مسعودی. به گفته مسعودی مادر ساسان (جد ساسانیان) دختر سانال بوده است. مراد از سانال همان سالتیئیل پسر یکنیا و پدر زروبابل است که اصلاً از نژاد یعقوب (اسرائیل) است. طبری نیز در تاریخ خود مادر ساسان را یهودی دانسته است (رجوع فرمایند به تاریخ طبری، جلد دوم، طهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۵۲ شمسی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۴۸۵).

۱۲- God Passes By، ص ۹۴.

۱۳- این مطلب را سر هنری رالینسون Sir Henry Rawlinson افسر انگلیسی مقیم طهران در آن ایام (و بعداً نماینده دولت انگلستان در ایران) تصریح نموده است. رجوع فرمایند به:

Ferrier J. P. Caravan Journeys and Wanderings. London, England, John Murray, 1856, pp503-505.

۱۴- برای اطلاع بیشتر از احوال جناب میرزا بزرگ وزیر نوری از جمله مراجعه فرمایند به: الف- ملك خسروی، محمد علی، اقلیم نور. طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۸ بدیع، خصوصاً صص ۱۲۶-۱۱۳.

ب- بالیوزی، حسن موقر Baha'u'llah: The King of Glory، خصوصاً صص ۱۸-۱۳.

پ- Encyclopaedia Iranica، ذیل Abbas.

ت- بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان، از انتشارات دانشگاه طهران، ۱۳۴۶ شمسی.

۱۵- نقل از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء مندرج در کتاب ایام تسعه تألیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع، ص ۶۲.

در وصف جمال قدم

اثر شهید زنده یاد دکتر سیروس روشنی
جان در ره امر تو چه آسان بسپارم
عمر دگری نیز چو اینک بسر آرم
جز گوهر یکدانه در این گنج ندارم
دلبسته به بند تو به دام تو شکارم
با زینت و با ثروت دنیاست چکارم؟
موی سیهت خاطرهای از شب تارم
زاهد پی نقدینه و من طالب یارم
و آن مژده، جانانه ز دل برد قرارم
بارانم و یکسان به گل و خار بارم
ای غنچه، تشکفته برم گیر که خارم
تا با شب شیرین تو افتد سر و کارم
جامی بده ای ساقی باقی که خمارم
سیروسم و بر کفشکن عشق غبارم

تا سر به قدمگاه تو ای دوست گذارم
عمری است که در حسرت دیدار تو بگذشت
جز صورت معشوق به آئینه، دل نیست
گر پروری از فضل و اگر بشکری* از عدل
تا خدمت امر تو مرا فضل و کمال است
روی چو مهت آینه، طلعت روز است
هرکس به امیدی پی مطلوب روانست
عنقهای بقائی خبر از قاف وفا داد
ابر سیهام لیک ز نیسان نگارم
بی خار میسر نشود گل چو به بستان
شهد سختم بس مزه در ذائقه دارد
زان باده، خمّار حقیقت به خم عشق
مغبوط به ملک و ملکوت چه مقامی؟!*

* از مصدر شکریدن: چاره کردن، علاج نمودن

ششم).

۱۹- حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس خویشتن را امی خوانده و تصریح می‌فرماید که به مدرسه نرفته و مباحث مدرسی را فرا نگرفته‌اند. عین بیان مبارک چنین است: «انا ما دخلنا المدارس و ما طالعنا المباحث. اسمعوا ما يدعوكم به هذا الامی الی الله الابدی...». این مضمون در لوح سلطان نیز از قلم ابهی نازل گشته است: «ما قرأت ما عند الناس من العلوم و ما دخلت المدارس فاسئل المدینة الّتی كنت فیها لتوقن بانّی لست من الکاذبین.»

۲۰- نقل از مجموعه، نفحات القدس به خط ایادی ام‌الله جناب طرازالله سمندری.

۲۱- نقل به مضمون از کتاب شاهراه منتخب (The Chosen Highway) تألیف خانم بلامفیلد.
۲۲- ۱۳۰۳ هجری قمری (۱۸۸۶ میلادی).

۱۶- رجوع فرمایند به صفحه ۲۰۹ کتاب مذکور طبع لیدن هلند، سال ۱۸۷۰ میلادی.

۱۷- طهران از دوران صفویه به سرعت گسترش یافت و به صورت شهری درآمد. پس از انقراض صفویه نادرشاه افشار این شهر را به عنوان تیول به پسر خویش رضا قلی خان داد. کریم خان زند در آبادی آن کوشید و سرانجام آقا محمد خان قاجار به عنوان پایتخت در آن مستقر گردید.

۱۸- حضرت باب در بیان فارسی در خصوص من یظهره الله (حضرت بهاء الله) می‌فرماید: «خداوند عالم است که از برای او مقدر فرموده باشد از عمر لا یعرف، که همان ایام خوشی اوست اگرچه کلّ منتظر اویند ولی چون به او ناظر نیستند لابدّ بر او حزن وارد خواهد آمد... اگرچه دیده می‌شود که ایام سرور او ایام قبل از ظهور اوست.» (باب یازدهم از واحد

خاطراتی از خانم اهل بهاء حضرت ورقه علیا

لقایه کهربائی

لقایه خانم در ایام جوانی جهت ازدواج با جناب محمد حسین کهربائی که در آن ایام مقیم ارض اقدس بود به حیفا سفر می‌کند و در ایام بعد از صعود مرکز میثاق در محضر حضرت ورقه مبارکه علیا به خدمت ایشان می‌پردازد. این خاطرات بخشی از تقریرات ایشانست که به لطف ایادی امرالله جناب دکتر علی محمد ورقا برای پیام بهائی ارسال شده است. محمد حسین همسر لقایه خانم اهل یزد و مقیم قاهره بود. نامبرده فن الکتریک را در هندوستان یاد گرفته بود و از حدود ۱۹۲۱ حسب امر حضرت عبدالبهاء به حیفا رفته بود که اولین دستگاه مولد برق را در اماکن متبرکه نصب کند و راه اندازد. این کار تا صعود مبارک تمام نمی‌شود و به زمان حضرت ولی امرالله موکول می‌گردد. عنوان کهربائی را حضرت عبدالبهاء به او مرحمت می‌فرمایند.

در بیت مبارک منعقد گردید. صبح آن روز ضیائیه خانم لباس عروس را از پارچه گل بهی رنگ به خیاط سفارش داده بودند. عصر حاضر شد و در اطاق حضرت خانم، سرکار منور خانم و روح‌انگیز خانم کمک کردند و عروس را آرایش دادند و لباس بر تن کردند. حضرت خانم تشریف آورده فرمودند: عروس حاضر است؟ مردم منتظرند. و در اطاق دست مرا گرفته جلوی آینه، قذی بردند و فرمودند: ببین چقدر خوشگل شده‌ای. من خجل شده سر به زیر افکندم. بعد همراه روح‌انگیز خانم و منور خانم داخل مجلس که در تالار بزرگ بیت بود شدیم، همه دست زده بلند شدند. حضرت ورقه، علیا جلوی خودشان صندلی گذاشته به بنده فرمودند شما اینجا بنشینید. مجلس با تلاوت مناجات و الواح عید و سرودن اشعار و پذیرائی مفصل که توسط

وقتی تلگراف حضرت ولی امرالله مشعر بر موافقتشان با نامزدی فانیه و جناب کهربائی به عشق‌آباد رسید فانیه با مادر بزرگ و آقا محمد برادر کهربائی و زوجه‌اش و چهار تن دیگر از احباب عشق‌آباد به صوب حیفا حرکت کردیم و یک روز قبل از عید رضوان سنه ۱۹۲۶ وارد آن شهر شدیم. خانم‌ها به بیت مبارک رفته آقایان در مسافرخانه، مقام اعلیٰ جای گرفتند. سه روز بعد حضرت خانم فرمودند عروس و داماد باید همدیگر را ملاقات کنند. فانیه همراه عمو و زن‌عمو و مادر بزرگ به اطاق کهربائی رقتیم در حالی که زن‌ها به رسم معمول حیفا چادر و مقنعه داشتند.

با اجازه حضرت ولی امرالله مجلس عقد و عروسی عصر یوم نهم رضوان توأم با جشن عیدی، مردانه در مسافرخانه، مقام اعلیٰ و زنانه



حضرت ورقه، علیا، حدود ۱۹۳۱ میلادی

خانم اسم باهره به او عنایت فرمودند .
 در آیامی که بنده در خدمت حضرت
 ورقه، علیا مشرف بودم مسن و بی اندازه
 ضعیف بودند و کمتر از منزل بیرون
 می رفتند . گاهی یکی از خانمهای بیت ایشان
 را برای خرید به خارج می برد . در منزل،
 بعضی اشخاص معروف حضور حضرت خانم
 مشرف می شدند . در سالهای اول اقامت
 فانیه، هفتهای یک روز در بیت مبارک جلسه،
 زنانه بود که تمام خانمهای بهائی از مجاورین و
 زائرین می آمدند و به حضور حضرت ورقه،
 علیا مشرف می شدند .
 یکی از وظائف فانیه این بود که میز شام

برادر کهربائی تهیه شده بود برگزار شد . در
 جلسه، مردانه حضرت ولی امرالله به کهربائی تبریک
 گفته از خدمات او تقدیر نمودند . به هنگام غروب
 مرا بردند خانه، روحی خانم زوجه، میرزا جلال
 اصفهانی، مردهای فامیل هم با کهربائی آنجا آمدند .
 حضرت ولی امرالله ۱۲ لیره، طلا توسط ضیائییه خانم
 [مادر خود] به کهربائی عنایت فرموده بودند که به
 عنوان مهریه به عروس بدهد . خطبه، عقد را روحی
 افنان خواند و میرزا جلال عروس و داماد را دست
 به دست داده تبریک گفت و کهربائی انگشتری را
 که برادرش از روسیه آورده بود دست عروس کرد .
 از آن به بعد من در اطاق کهربائی زندگی می کردم
 (در باغچه، بیت مبارک، طبقه، تحتانی عمارتی که
 جناب آقا محسن افنان در آن سکونت داشتند) . به
 همراهان نیز چهل روز اجازه، اقامت در حیفا
 مرحمت شد . مادربزرگم قبل از رفتن دست مرا به
 دست حضرت ورقه، علیا داد و عرض کرد که مثل
 مادر از فانیه نگاهداری نمایند . روز سوم عروسی
 حضرت ورقه، علیا در حالی که دو نفر زیر بغلشان
 را گرفته بودند به اطاق عروس و داماد تشریف
 آورده یک انگشتر اسم اعظم به دست فانیه کردند و
 حرم مبارک و صبایا نیز هدایائی برای عروس و داماد
 آورده بودند .

از آن پس مدت ۹ سال در محوطه، بیت مبارک
 بودم . هر روز در بیت مانند خانمهای دیگر به
 پذیرائی مهمانها و امور جاریه می پرداختم . اولین
 طفل ما یک سال بعد از عروسی متولد شد ، دختری
 بود که حضرت ورقه، علیا اسم طاهره را به او
 عنایت فرمودند (۱۹۲۷) . دومی پسر بود
 (۱۹۲۹) . کهربائی با تقدیم شیرینی به عائله،
 مبارکه تقاضای اسم کرد . حضرت شوقی افندی او را
 روشن نام نهادند و فرمودند آتیه، روشن خواهد
 داشت . فرزند سوم دختر بود (۱۹۳۲) که حضرت

یام مقیم
 حضرت
 ایشانست
 ست
 پسر در
 رفته بود
 ت صعود
 سرتی را
 روز
 بی
 حضرت
 خانم و
 ریش
 خانم
 ست؟
 جوی
 خوشگ
 بعد
 مجلس
 دست
 جوی
 شما
 و خواجه
 توسط

مقام اعلیٰ معین شده بود. حضرت ورقه، علیا با خانمهای اهل بیت سوار کروسه (درشکه) شده به مقام اعلیٰ می‌رفتند و بنده را نیز با بچه‌ها همراه می‌بردند. خانمها در اطاق خادمه، مسافرخانه محفلی داشتند و آقایان در رکاب مبارک در مسافرخانه محفل برپا می‌کردند. بعد از ختم دو محفل، عازم زیارت می‌شدیم. مردها از يك طرف و خانمها در طرف دیگر مقام که با پرده از هم جدا شده بود ایستاده به زیارتنامه که توسط حضرت ولی امرالله یا شخص دیگری تلاوت می‌شد گوش می‌دادند.

حضرت خانم به اطفال نهایت مهر و محبت را داشتند و همیشه انعام و اطعامشان می‌فرمودند. هم حضرت خانم و هم حضرت حرم بچه‌های مرا مثل فرزندان خود می‌دانستند. وقتی که بستنی فروش از کوچه می‌گذشت و صدا می‌کرد يك فروش به روشن مرحمت می‌فرمودند و او می‌رفت بستنی می‌گرفت و با خواهرش می‌خوردند.

یادم هست عید نوروز بود، لباس معمولی پوشیده حضورشان رفته بودم. فرمودند این چه لباسی است که روز عید پوشیده‌ای؟ برو عوض کن و يك لباس خوشرنگ بپوش. رفتم لباس صورتی پوشیده حضورشان آمدم. فرمودند: حالا شد عید، تو که لباس به این خوبی داری چرا آن را نپوشیده بودی؟ همچنین حضرت خانم به روشنائی اطاق اهمیت می‌دادند.

در اواخر ایام که حضرت خانم بسیار ضعیف شده بودند برونشیت شدیدی عارض شد. ضیائیه خانم شش نفر را معین کردند که شبانه‌روز هر کدام چهار ساعت به نوبت از خانم مراقبت و پرستاری کنند یعنی ضیائیه خانم، روحی خانم، منور خانم، صبايای مبارک [حضرت عبدالبهاء] و طیبه خانم و فاطمه خانم مادر جنابان نخجوانی و بنده و قرار شد نوبت بنده که به شب اقتاد بچه‌ها را کهربائی نگاه

امروزه فرزند سر بشکرت انصاف محبوب
 ملایک و گلایه‌ها ناطق باشم که در جمیع
 اوقات در سلامت عزت سر برآورده گردد
 با ناز و جود در انبساط شوق زلفک بیان
 نترسانم که در مشربین حبه کزین در عهد و روزگار
 بسان اعجاز کنی نه فکر در بندها که در کردار
 اب و کبریا که در سترت تو بندها
 جمیع مراتب لایح در بهرین بندسند انبوم
 شریک باشم فی کفکدره الاله که در شادمانی
 است نشاء به دریا لرد و انهار بعباده انصاف
 انقطاع تشبیه و غیره از ابرو و لاله
 شکر بود و مستبد بهر نفس در حشر
 از نور حق نور سر برآورده انبوم بیان
 فایز کشید و لاله از عالمی میزبان
 در کف حفظ لاله در هم سر محظوظ بود

دستخط حضرت ورقه، مبارکه، علیا

را که جلوی خانم بود مرتب کرده غذا از آشپزخانه بیاورم و سالاد درست کنم. هر شب بعد از آنکه میز را مرتب می‌کردم می‌رفتم در اطاق حضرت شوقی افتدی را می‌زدم و عرض می‌کردم غذا حاضر است. تشریف می‌آوردند روی صندلی روبروی خانم می‌نشستند، اول برای خانم و بعد برای خودشان غذا کشیده میل می‌فرمودند.

حضرت خانم زائرین را عصرها ساعت چهار بعد از ظهر هنگام صرف چای می‌پذیرفتند. در هفته يك روز برای زیارت

توی
 که چو
 دنت
 چو لا
 سر
 سرور
 رفیق
 مگو
 بهر
 چه بی
 نگشت
 درخ
 چه بی
 صفا
 دگر
 بی
 امید
 وری

دارد.
 نیمه
 رفته به
 زود که
 جولای
 و نود

خزان به خود بهار کن!

فرهمنند مقبلین (الهام)

۲

بهار جاودانه را، به چشم جان نگاه کن
 بهار شاد مهر او
 که آمد از سپهر او
 به بزم عاشقان بیا
 و ترک اختیار کن
 مگو دگر بهار کو
 شکوه سبزه زار کو
 بیا و با عنایتش
 به یمن ابر رحمتش
 کویر لاله زار کن
 تمام قلب و روح را
 ز عطر لایزال او
 رقیب نو بهار کن

بهار رهگذر بنه، امید را ز کف مده
 بیا و طرفه حیلتی، تو این زمان بکار کن
 بجو نشاط راستین
 صفا و شور فرودین
 سخن درست گویت
 خزان به خود بهار کن!
 بهار را مهار کن!

۱

تو ای عزیز دل غمین
 که چون بهار می رود
 دلت تباه می شود،
 چو لاله های داغدار خون به دل
 سراسر وجود تو پر اشک و آه می شود
 سرور کودکانات
 رفیق نیمه راه می شود،

مگو دگر
 بهار و گل نیامده
 چه بی بهانه می رود
 نگشته مست عطر او
 درخت یاس ناز من
 چه بی جوانه می شود
 صفا و رنگ و بوی او
 دگر فسانه می شود

بیا نگار نازنین
 امید سرپناه کن
 و رای این شتابها

حضرت خانم خودشان قبلاً لباس جهت تکفین و تدفین تهیه کرده و در بقچه ای گذاشته بودند. ضیائیه خانم بقچه را باز کردند. یک جفت جوراب سفید، روسری سفید، دستمال سفید و یک لباس سفید از پارچه ارزان قیمت بود.
 پایان

دارد. شب صعود صبا یا و نواده ها و اهل بیت تا نیمه شب حول تخت حضرت خانم بودند. فانیه رفتم به اطاق خودم که به بچه ها پردازم. صبح زود که برگشتم دیدم صعود کرده اند (۱۵ جولای ۱۹۲۲). هنگام صعود فقط صبا یا مبارک و نواده ها حضور داشتند.

بلائی الکل و مواد مخدره (۱)

به مناسبت دهه سازمان ملل برای مبارزه با الکل و مواد مخدره

دکتر عبدالمیثاق قدیریان

تلاش‌های پیشگیری از گسترش

سوء استعمال مواد مخدره

Drug Abuse Prevention

فعالیت‌های بین‌المللی برای کنترل شیوع استعمال نامجاز داروها و مواد مخدره از اوائل قرن بیستم میلادی آغاز گردید. همکاری سازمان ملل متحد در این زمینه در سال ۱۹۴۶ (بعد از تبدیل مجمع اتّفاق ملل League of Nations به سازمان ملل فعلی که در سال ۱۹۴۵ انجام گرفت) شروع شد. در سال ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد اقدام به ایجاد مؤسسه‌ای نمود که هدفش مبارزه با استعمال داروهای نامجاز و اعتیادآور و نیز با حمل و نقل و توسعه این مواد در میان مردم جهان بود. در تحت اشراف سازمان ملل برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدره United Nations International Drug Control Programme, UNDCP به اقدامات وسیعی در زمینه جلوگیری از افزایش و استعمال غیر طبی این داروها و مشروبات الکلی مبادرت نمود. در همان سال (۱۹۹۰) مجمع عمومی سازمان ملل دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۱ را دهه مبارزه با استعمال نامجاز مواد مخدره و اعتیادآور اعلان نمود. منظور از این تصمیم تشویق دول و ملل مختلفه به همکاری دامننداری در طی این سالها برای تحقق اهداف فوق الذکر بود.

در میان این فعالیت‌های جهانی، نقش ارگان‌های غیر دولتی سازمان ملل و کوشش این سازمان‌ها در میان طبقات مردم اهمیت روزافزون به خود گرفته است و تلاش‌های آنها در پیشگیری و ریشه‌کن ساختن واگیر (ایدمی) خانمانسوز استعمال الکل و مخدرات مورد توجه خاص سازمان ملل قرار گرفته است.

در اینجا مناسب است از نقش جامعه جهانی بهائی Baha'i International Community که به عنوان یک ارگان غیر دولتی عضو سازمان ملل و وظیفه مهمی را در این مورد به عهده دارد ذکر بشود. جامعه جهانی بهائی به عنوان یک سازمان غیر دولتی در سال ۱۹۴۸ به ثبت رسید و دامنه فعالیت‌های آن در سازمان ملل از سال ۱۹۷۰ مجدداً تسریع یافت. در طی بیست سال گذشته جامعه فوق الذکر همکاری نزدیکی با سازمان ملل در زمینه فعالیت‌های آموزشی و پیشگیری Prevention & Education برای مبارزه با سوء استعمال مواد الکلی و مخدره داشته است. افزایش روزافزون استعمال مواد اعتیادآور (که مشروبات الکلی نیز جزء آنها بشمار می‌روند) بطور سرسام‌آوری توسعه پیدا کرده به حدی که دبیر کل سابق سازمان ملل آقای جاویر پرز دوکوتلار اظهار داشته بود که سوء استعمال این مواد اعتیادآور نسل حاضر و

پیام بهائی شماره ۱۹۲

سوء استعمال داروئی و اعتیادآور شناخته گردد و ملل و جوامع مختلفه هر سال باید با همپیوستگی روزافزون تلاش‌های خود را برای تحقق اهداف فوق‌الذکر تجدید نمایند. لهذا از سال ۱۹۸۸ گروه‌های مختلف برنامه‌هایی در سراسر جهان برای آگاهی عمومی Public Awareness در مورد مضرات داروهای اعتیادآور و الکلی و پیشگیری از مصرف آنها برگزار نمودند. نظر به اینکه جامعه بهائی نیز وظایف خطیری در تعلیم و تربیت جامعه بشری در مورد این امر مهم به عهده دارد در سپتامبر ۱۹۹۲ نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل (در نیویورک) ضمن نامه‌ای به محافل روحانیه ملیه ممالک جهان تقاضا نمود که توجهات و کوشش‌های لازمه را در این مورد مبذول دارند و در همکاری با سازمان ملل برای علاج این بیماری مسری اعتیاد داروئی کمر همت بریندند. اهل بهاء که معتقد به اصل هم‌آهنگی علم و دین بوده و در ظلّ تعلیمات حیات‌بخش جمال اقدس ابهی روح ما سواه فداه خدمت به نوع بشر را آرزوی خود می‌دانند بایستی در تلاش‌های خستگی‌ناپذیر گروه‌های انسانی که در علاج و پیشگیری این اپیدمی وخیم جهانی همکاری می‌کنند سهیم گردند و پیام نجات‌بخش محبوب عالمیان را به این گمگشتگان رنج‌کشیده مدنیّت مادی برسانند. شکی نیست که وقتی تبلیغ دسته‌جمعی و استقبال ناس جامه عمل می‌پوشد، هزاران نفر از اشخاص که به آلام و امراض مختلفه اجتماعی و اعتیادات داروئی و الکلی مبتلا هستند به سوی مؤسسات این امر اعظم الهی که تنها پناه و راه نجات آنها در روزهای واپسین خواهد بود روی خواهند آورد و جویای درمانی برای مصائب و تألمات خود خواهند شد. لهذا آمادگی جامعه بهائی از راه

آینده، جهان را تهدید نموده و اثرات آن را می‌توان به بیماری وبا و طاعون که در قرون ماقبل جمع‌کثیری از ملل و اقوام بشری را به هلاکت رساند تشبیه کرد. جورج بوش، رئیس جمهور سابق ایالات متحده، امریکا، معتقد بود که سوء استعمال مواد اعتیادآور مسئله شماره یک ملت امریکا بشمار می‌رود. جالب اینست که کمتر از ده درصد از معتادین برای معالجه و درمان اقدام می‌نمایند و بقیه در این مورد غفلت ورزیده و یا اجتناب می‌کنند.

جامعه جهانی بهائی تاکنون در چند کنفرانس بین‌المللی در زمینه پیشگیری از مصرف مشروبات الکلی و سایر مواد داروئی اعتیادآور شرکت نموده از جمله کنفرانس بین‌المللی سران کشورهای عضو سازمان ملل که در سال ۱۹۸۷ در شهر وین در تحت نظر سازمان ملل متحد برگزار گردید و به موازات آن کنفرانس سازمان‌های غیر دولتی نیز تشکیل شد و در مورد نحوه جلوگیری از گسترش و حمل و نقل مواد مخدره و امثالها (Drug Trafficking) مشورت و تبادل نظر به عمل آمد و تصمیماتی اتخاذ گردید. در دسامبر ۱۹۹۴ مجمع جهانی سازمان‌های غیر دولتی سازمان ملل - NGO- World Forum در شهر بانگوک پایتخت تایلند برگزار شد و جامعه جهانی بهائی به این کنفرانس دعوت شد و نماینده‌اش در آن شرکت نمود. هدف این کنفرانس سازمان‌های غیر دولتی کاستن مصرف مواد مخدره و الکلی در سراسر جهان بود.

بنا به پیشنهاد نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس شهر وین در سال ۱۹۸۷، سازمان ملل تصویب و اعلام کرد که روز ۲۶ ماه جون هر سال بایستی به عنوان روز بین‌المللی مبارزه با

نقش
نتن این
روز فزون
تهد در
بی‌می
زرد توجه

جهانی
B که
رمان ملل
هده درد
تتون یک
ت رسید
ز سال
ست سال
زیکی با
وزشی و
P برای
مخدره
س مواد
جز آنها
پیدا
من ملل
بود که
حضر و



مواد مخدره و جامعه بشری

سقوط ارکان مدنیت سراسر مادی و از هم گسیختگی شالوده‌های نظم و انضباط در امور ارتباطات اجتماعی بشریت را در مرحله خاصی از تاریخ جهان قرار داده، مرحله‌ای که برزخی بین نظم کهنه و محکوم به زوال سابق و نظم بدیع جهان‌آرای این امر الهی است. تحولات این مرحله انتقالی Transitional Period سبب تشویش و نگرانی در جوامع بشری گردیده و چون تعلق درونی به اصول روحانی و تعالیم الهی شدیداً در قلوب کاهش یافته توجه مردم به سوی مواد داروئی اعتیادآور و مشروبات الکلی که قدرت ادراک را ضعیف نموده و یا سلب می‌کنند و دریچه‌های فریبنده، احساسی و خیالی امید را به سوی آنها باز می‌گشایند جلب شده و این برای اینست که عده کثیری از مردم بخصوص جوانان امید به آینده را از دست داده و قدرت مواجه شدن با حقایق دردناک دنیائی مملو از اضطراب و اغتشاش مادی و روانی را به قدر کافی ندارند. هرچند در عصر حاضر علوم و صنایع جدیده روش زندگی مردم را تغییر داده و به ظاهر بر رفاه و آسایش آنها افزوده و راه‌های جدیدی برای ارضاء خواسته‌های نفسانی و اجتماعی گشوده

مطالعه عمیق و آشنائی به نحوه‌های پیشگیری و درمان و پرهیز از این مواد خائمانسوز روز به روز ضروری‌تر خواهد شد.

مجمع جهانی سازمان‌های غیر دولتی که سال گذشته در کشور تایلند برگزار شد یکی از بزرگترین کنفرانس‌های سازمان‌های غیر دولتی عضو سازمان ملل در زمینه اعتیاد به مواد الکلی و مواد مخدره بود که با کمک دولت تایلند برگزار گردید و ولیعهد آن کشور این کنفرانس جهانی را گشود. متجاوز از ۵۰۰ نفر از نمایندگان سازمان‌های فوق‌الذکر از ۱۱۲ کشور جهان با دعوت قبلی در این کنفرانس شرکت نمودند و در طی برنامه، این کنفرانس علاوه بر روش‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، طبی و غیره برای معالجه و پیشگیری از این عوارض داروئی، نقش دیانت و روحانیت نیز مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و این خود یکی از علائم اولیه توجه صاحبان فکر و علم به روحانیات و اثرات آن در بهداشت و بهبود از اینگونه عوارض بشری در سال‌های اخیر است. در پایان این کنفرانس قطعنامه بسیار جالبی که به اعلامیه بانکوک Declaration of Bangkok شناخته شده تهیه گردید که تسلیم سازمان ملل گشت.

پیام بهائی شماره ۱۹۲

المثل يك وسیله، درآمد مالی کلان برای مردم بعضی از ممالك جهان شده است. بعضی از ممالك آسیائی و نیز امریکای جنوبی بصورت منابع بزرگ تولیدکننده و صادرکننده محصولات تریاک، کوکائین، حشیش و غیره درآمد دارند. در قاره، آسیا، ممالك مثلث طلائی Golden Triangle که شامل کشورهای تایلند، برمه و لائوس می باشد مراکز بزرگ تولیدکننده محصولات تریاک شناخته شده اند. به علاوه از سالهای ۱۹۷۰ سه کشور دیگر افغانستان، ایران و پاکستان نیز به عنوان ممالك هلال طلائی Golden Crescent بر فهرست تولیدکنندگان بزرگ تریاک در آسیا افزوده شده اند. تولید تریاک غیر مجاز به سرعت در تزايد است و در طول ۷ سال (از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲) تولید تریاک بصورت قاچاق به ۱۵۲ درصد افزایش یافته. حجم تولیدی سالیانه، تریاک قاچاق به سه تا چهار هزار تن تخمین زده شده است. این پدیدهها صحنهای تیره و شوم را در افق تحولات اجتماعی نمودار می سازند و بر تعداد معتادین و از هم گسیختگی چرخهای اقتصادی می افزایند و قوای عقلانی و خلاقه، بشری را تهدید نموده و می نمایند. وقت آنست که محیطشناسان نظری به محیط رقّتبار حالات درونی و روانی بشر افکننده و آلودگیهای هراسانگیز محیط جوئی مغز و اعصاب و اثرات آن را بر روی تفکر و قضاوت انسانی مطالعه نموده و با آنچه در خارج می گذرد مقایسه نمایند (Ecology of the Mind).

ایالات متحده، امریکا بزرگترین رقم سوء استعمال داروئی در میان جواناتان را در میان ممالك صنعتی جهان داراست. در سال ۱۹۸۷ تخمین زده شد که درجه گسترش سوء استعمال داروئی در امریکا ده بار بیشتر از ژاپن بوده. از آماری

ولی این پیشرفتهای علمی و هنری نور امیدی و فروغ سرور پایداری بر قلوب محنتزده، بشریت نتابیده است. در واقع علم و فرهنگ مادی در حال حاضر ارتباط خود را با عاطفه، اصیل و احساس لطیف واقعی بشری از دست داده و احساسات درونی دستخوش گرایشها و دستبردهای مادی گردیده است. در چنین دنیائی شوق و ذوق طبیعی زندگی اصالت خود را گم کرده و بعضاً يك حالت مصنوعی به خود گرفته است. استعمال الكل و مواد اعتیادآور وسیلهای برای دستکاری و ارضاء خواستههای غریزی بوجود آورده است. در چنین مرحلهای افراد بشر از امنیت خاطر و امید به آینده مأیوس گشته و انعکاسات بحرانهای درونی آنها را می توان از دگرگونیهای بحرانی عالم خارج استنباط نمود. فی الواقع آشفتگیها و اضطرابات اقتصادی و سیاسی کنونی نمودار برجستههای از ورشکستگی روحانی بشر در دوران ما می باشد و اگر شفای روحانی ممکن نگردد دامنه، اعتیاد به مواد مختلفه همآهنگ با اختلافات نژادی و اجتماعی و غیره وسیعتر خواهد شد. امروز میلیونها نفر، پیر و جوان، زن و مرد، غنی و فقیر، بی سواد و باسواد با اراده، خود مغز و اعصاب خود را در اختیار اثرات ضایعکننده، مخدرات و الكل و امثالها قرار می دهند و بر وخامت اجتماعی و خانوادگی این عارضه، جهانی و عواقب سهمناک آن برای نسل آینده می افزایند.

اپیدمی سوء استعمال داروها و مخدرات

محصولات داروئی غیرقانونی بصورت يك بازار پنهان در سطح جهانی درآمد شده است و میلیونها نفر با این دستگاه تجارتي پنهان در ارتباطند. تولید و توزیع تریاک و کوکائین فی



اقتصادی غیر مستقیم آن از قبیل اتلاف وقت در محیط کار و ضررهای مالی و جانی آن در اثر حوادث مختلفه بالغ بر ۸۹/۵ میلیارد دلار بوده است. علاوه بر این قریب ۴۹/۶ میلیارد دلار بطور سالیانه خسارت اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم سوء استعمال مواد اعتیادآور برآورد شده است.* جمع این مخارج و خسارات را ۱۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ تخمین زده‌اند. علاوه بر این زیان‌ها و خسارات مالی و اقتصادی، در حدود ۱۵ درصد معتادین به الکل بر اثر خودکشی از بین می‌روند و قریب ۷۵ درصد آنها به عوارض مختلفه، روانی و شخصیتی دچار می‌شوند و چه بسا خانواده‌ها که از هم پاشیده شده اطفال بی‌سر و سامان می‌گردند. در همین کشور سالیانه در حدود ۴۰ هزار نفر در اثر تصادفات اتومبیل تلف می‌شوند که نیمی از آنها احتمالاً در موقع وقوع این حوادث تحت تأثیر الکل و یا سایر مواد اعتیادآور بوده‌اند. و نیز ۵۰ درصد موارد قتل و جنایت در تحت نفوذ الکل صورت گرفته است. به علاوه ۵۰ درصد مرگ و میر حاصله از بیماری ایدز یا سیدای Aids را نتیجه، تزریق مواد مخدره و رد و بدل نمودن وسایل تزریقی که یکی از عوامل بسیار مهم شیوع این بیماری می‌باشد قلمداد نموده‌اند.

ادامه دارد

که ضمن يك مطالعه، تحقیقی از جوانان ۱۳ تا ۱۸ سال به دست آمده چنین استنباط می‌شود که این جوانان مشکل داروهای نامجاز را مسئله، درجه، اول زندگی خود قلمداد کرده‌اند. در مطالعه، دیگری در امریکا در مورد استعمال مواد اعتیادآور، معلوم شد که ۵۸ درصد دانش‌آموزان سال‌های آخر دبیرستان این مواد را بکار می‌برند و بیش از نصف این دانش‌آموزان تأیید کردند که مواد نامجاز داروئی را در محیط تحصیلی یعنی در دبیرستان‌ها خریده و یا بدست آورده‌اند.

در یکی دیگر از تحقیقات علمی در سال ۱۹۸۱ آمار ذیل بدست آمد: در حدود ۹۵ درصد نسل جوان امریکا در سنین بین ۱۶ تا ۲۵ اقلأ یکبار اقدام به نوشیدن الکل نموده‌اند و ۶۳ درصد آنها اقلأ یکبار به استعمال حشیش یا ماریوانا Marijuana دست زده‌اند. در همین کشور قریب ۱۸ میلیون نفر کاملاً یا نسبتاً به الکل معتاد هستند و مصرف مواد داروئی غیر مجاز (تریاک، کوکائین، آمفتامین، حشیش و غیره) از رقم دو درصد جمعیت در سال ۱۹۶۲ به رقم شگفت‌آور يك ثلث جمعیت یعنی قریب ۷۰/۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۵ رسیده است. مخارج امور درمانی الکلیسم و ضررهای

* منظور از سوء استعمال داروئی و یا داروهای مخدر و اعتیادآور در اینجا تمام مواد شیمیائی که بدون تجویز پزشک بکار برده می‌شود می‌باشد و این اصطلاح مشروبات الکلی را نیز دربر می‌گیرد.

آوائی که شنیده نشد

در رابطه با مقاله « هویت بهائی و هویت ملی ما »
مندرج در شماره ۱۸۷، ژوئن ۱۹۹۵ همین نشریه

دکتر ایرج خادمی

آن بار را از دلش بردارم. اشکال قضیه در آن بود که نشانی‌اش را به همراه نداشتم و او را فقط از طریق مکاتبه می‌شناختم. بنابر این اگر تصادفاً روبرو می‌شدیم همدیگر را نمی‌شناختیم. کارم که تمام شد رفتم به میدان بزرگ شهر، به این خیال که اطبای مشهور و متخصص شهر قاعدتاً باید در حوالی آن میدان به طبابت مشغول باشند. همینطور که نگاه می‌کردم چشمم افتاد به داروخانه‌ای که کنج میدان قرار گرفته و باز بود. با شتاب خود را به داروخانه رساندم و داخل شدم. يك مشتری قبل از من در آنجا بود که دکتر داروساز او را راه انداخت و سپس رویش را به من کرد و پرسید چه می‌خواهی. گفتم به دنبال دوستی می‌گردم که پزشك است و به گمان من مطبش باید در همین دور و بر باشد. گفت اسمش چیست، جواب دادم دکتر فریدونی. گفت مگر اهل شعر و شاعری هستی، گفتم بله. اضافه کرد نکند که بهائی باشی، گفتم هستم. بی‌اختیار از پشت دُخُل بیرون پرید و مرا در آغوش گرفت و غرق در محبت کرد. نام شریفش دکتر فرهنگی بود و از اعضای خانواده شریف فرهنگی محسوب می‌شد. بلافاصله در داروخانه را بست و به رغم اصرار من که به دادن آدرس اکتفا کند، تا مطب دکتر فریدونی مرا همراهی کرد. از او خواهش کردم به درون نیاید و اجازه دهد تا دکتر فریدونی را دچار شگفتی کنم. قبول

در حدود بیست و پنج سال پیش مجله آهنگ بدیع که زیر نظر محفل روحانی ملی ایران منتشر می‌شد، به تواتر چند اثر از آثار منظوم زنده‌یاد دکتر عطاءالله فریدونی پزشك و شاعر بهائی را که در قالب مدرن سروده بود و لطافت هوای زادگاهش، گیلان، را به یاد می‌آورد طبع کرد. از این هم فراتر رفت و سروده‌هایی از شادروان سهراب سپهری شاعر آزاده، کاشانی و غیر بهائی را در صفحات خود جای داد.

بزودی سر و صدا از سوی برخی از دوستان بهائی بلند شد که شعر نو را چه جای آنکه در آهنگ بدیع جای گیرد و حرمت سبک و سیاق کلام بهائی را بشکنند. گرفتیم که کارهای دکتر فریدونی را از باب تشویق يك شاعر بهائی درج کردید، دیگر کارهای سپهری که بهائی هم نیست چرا؟

نمی‌دانم که این مطالب به گوش سپهری رسید یا نه، ولی دکتر فریدونی آوای مخالفت را شنید و چه بسا که دل آزرده شد، زیرا اثر دیگری به آهنگ بدیع نفرستاد. شاید منتظر ماند تا جامعه ما از انزوایی برهد و موقعیت زمان و حرکت زبان ادبی و محاوره‌ای امروز را دریابد.

یادم هست که در همان اوان رفته بودم به گیلان برای انجام کاری. هم‌عاش در آن فکر بودم که پس از انجام آن کار دکتر فریدونی را پیدا کنم و اگر باری بر دلش نشسته باشد يك جوری

کرد و برگشت. اطاق انتظار آرام بود و دختر خانمی که گویا سمت منشی‌گری دکتر را داشت سرش توی کتاب. به شنیدن صدای پای من دختر خانم سرش را بلند کرد و پرسید آیا می‌خواهید دکتر را ببینید. جواب دادم بله. پرسید آیا پرونده پزشکی در اینجا دارید، گفتم نه، کار شخصی دارم که اگر اجازه بدهید چند دقیقه‌ای مزاحم دکتر خواهم شد. ناگزیر به درون شد و اندکی بعد بازگشت و اذن دخول داد. به ورود من دکتر از جا برخاست و اظهار ادب کرد. حالتی خوش و قیافه‌ای گرم و گیرا داشت، همان قیافه‌ای که از قبل در ذهنم تصویر کرده بودم، بلکه بهتر و خوش‌تر. پرسید که هستید، گفتم حدس بزنید. اندکی ورنه‌اندازم کرد و سپس نام را با جرأت بر زبان آورد. دیگر چه عواملی بین ما گذشت خدا می‌داند. همین که به صحبت نشستیم سر بیماران باز شد، ناچار بقیه صحبت را به شب و در سرای دکتر فریدونی موکول کردیم. آن شب جناب مسیب فرهنگی پدر همسر دکتر فریدونی و چند فرد دیگر از اعضای آن خانواده، گرم و پر احساس نیز حضور داشتند. معلوم است که صحبت در اطراف چه موضوعی دور می‌زد. دکتر فریدونی با حرارت و صمیمیت بسیار شکوه می‌کرد که چرا دوستان بهائی با پیچیدن برق کلام در نیام تکلف و تعقید و یا پوشاندن پیام دل‌نشین در لباس سنگین دیرین جویندگان را از دریافت و پویندگان را از شناخت باز می‌دارند. بلی، سخن به درازا کشید:

دوش در حلقه، ما قصه گیسوی تو بود
تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت
فتنه‌انگیز جهان، غمزه جادوی تو بود
در پایان آن مجلس دکتر فریدونی آرام‌تر شد

و اعتقاد من به لزوم شناخت مقتضای زمان از سوی پیروان با وفای امر حضرت رحمن راسخ‌تر. البته اقدام آهنگ بدیع در درج پاره‌ای از آثار نوین شعری جنبه مثبتی هم در پی داشت، و آن استقبال برخی از آزاداندیشان غیر بهائی بود از آن اقدام، تا جایی که یکی از آنان که از ناموران شعر معاصر به شمار می‌آمد دو قطعه از آثار تازه، خود را به آهنگ بدیع ارمغان کرد و آهنگ بدیع هر دوی آن آثار را برای اولین بار به طبع رساند. این نوع مراودات فرهنگی می‌توانست دریچه‌ای را به قلب فرهیختگان غیر بهائی باز کند و ترس و احتیاط و شاید شك و تردید دیرپای آنان را فرو ریزد.

يك ربع قرن از آن زمان می‌گذرد و می‌بینم که همکیشان عزیز من در سرزمین استرالیا همان ایرادی را به پیام بهائی متوجه می‌کنند که اسلافشان به آهنگ بدیع کردند و نمی‌دانم که این انزوای فرهنگی چه خدمتی را به جامعه ما خواهد کرد. زمان آماده و مهیای آنست که جامعه بهائی ایرانی به جدائی فرهنگی با همزیانان خود خاتمه دهد و به آنان نزدیک گردد.

هر که او از همزبانی شد جدا

بی‌نوا شد، گرچه دارد صد نوا (مولوی)
چند سال پیش دکتر فریدون وهمن برای نخستین بار به گونه علمی به این موضوع که آیا سبک مشخص و همگانی به نام سبک امری وجود دارد یا نه نگاه کرد،^۱ و به این نتیجه رسید که نوشتارهای امری بسته به آنکه از قلم کدامیک از مصادر امر صادر شده و نیز بر حسب ادوار صدور به صورتهای گوناگون ولی نزدیک به هم، دیده شده بدون آنکه مکتب معینی را در نگارش پیشنهاد کرده باشد. دانشمند دیگری که در این باب در یکی از نشستهای «انجمن ادب و فرهنگ

ناگهانی می‌سازد، مانند غلبه و ماندگاری اعراب در کشور ما که زیر و رو شدن زبان و خط را در پی داشت، یا ظهور فردوسی و سعدی و حافظ و مولوی در قرون بعد از اسلام که کلام هر یک از آنها مکتب تازه‌ای را در سخن و سخنوری پدید آورد، یا انقلاب مشروطیت که راه را برای ورود نشر فراگیر مطبوعاتی گشود، یا آشنا شدن روشنفکران ما با زبان‌های اروپائی که داستان‌نویسی و شعر آزاد را به ارمغان آورد. دیگر آنکه هر شارعی به زبان مردمی که در بین آنها ظهور می‌کند سخن می‌گوید، به دلیل آنکه می‌خواهد مردم پیامش را دریابند و به آن ایمان آورند. رسول اکرم در قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ»^۱ و حضرت بهاء الله می‌فرماید: «اگر شخص متکلم فوق ادراک سامع تکلم نماید از عدل خارج شده...»^۲ نه تنها شارعین ادیان، که پیروان آنان نیز، اگر در صدد همنشینی و نزدیکی با سایر مردمان و هدایت آنان باشند، که برای بهائیان این حتمی‌ترین وظیفه است، بایستی به زبان آن مردم، بلکه به روان‌ترین و دلنشین‌ترین آن، سخن بگویند. در نوشته‌ها و سروده‌ها و محاورات ما بهائیان کلمات و عبارات و اصطلاحات و استعارات بسیاری وجود دارد که برای فارسی‌زبانان غیر بهائی، حتی برای نسل‌های جوان‌تر بهائی، قابل فهم نیست. اگر امر بر این دایره بود که زبان را به عنوان یک «ابزار شخصی» بکار ببریم یا وسیله مبادلات علمی و فرهنگی بین «طبقات خاص» قرار دهیم جای بحثی نبود، ولی همه می‌دانیم که قضیه عکس اینست، یعنی هر نوع انزواطلبی که به جدائی فرهنگی میان ما و همزبانانمان، یا جدائی و تبعیض بین نسل‌های قدیم و نسل‌های جدید بهائی بیانجامد، مضر به حال اهداف و مصالح ما بشمار

ایرانی» مخصوص بهائیان فارسی‌زبان امریکا و کانادا صحبت کرد و نظرش را در نشست دیگری از همان انجمن تفصیل داد استاد دکتر حشمت مؤید بود. نگرانی دکتر مؤید بیشتر از آن جهت بود که مبادا ایجاد چهارچوب‌های ذهنی، نسل حاضر یا نسل‌های بعدی فارسی‌گویان بهائی را از خلاقیت ادبی باز دارد و آنان را از مشارکت در تحولات ادبی ایران که با شتابی ناشنیده در حرکت است محروم سازد. این بنده نیز با اعتراف به بضاعت ناچیز ادبی خود، در نخستین کنفرانس «انجمن ادب و فرهنگ ایرانی» مخصوص بهائیان امریکا و کانادا که به سال ۱۹۹۱ میلادی در مدرسه بهائی لوهلن واقع در ایالت میسیگان تشکیل شد گفتاری را زیر عنوان «سهم بهائیان در ادبیات معاصر ایران» به استحضار جمع حاضر در آن انجمن رساندم که به سبب خردی گوینده ناشنیده ماند. با این حال بی‌مناسبت نیست که بریده‌هایی از آن گفتار را در این موضع باز گویم، بخصوص که نوشتار محققانه، دوست دانشمندم جناب دکتر محمد افغان زیر عنوان «زبان آثار مبارکه بهائی» در شماره اخیر پیام بهائی (مجلد ۱۸۸، ژوئیه ۱۹۹۵) تکرار آن را ایجاب می‌کند.

صحبت بر سر آن بود که آیا هیچ دلیل و مصلحتی ادامه گفتن و نوشتن و سرودن ما را به زبان قرن پیش توجیه می‌کند، و پاسخ آن بود که نه، زیرا «اولاً زبان یک موجود ایستا نیست بلکه مانند هر موجود زنده، دیگر همپای زمان در حال حرکت و دگرگونی است. گاه به تبع قانون تکامل طبیعی رشد می‌کند و گاه رویدادهای شدید مانند غلبه نظامی، انقلابات سیاسی و اجتماعی، نفوذ فرهنگ‌های غالب و یا پیدایش «فوق ستارگان» آن را دستخوش تغییرات بنیانی و

از زمان
بر سبب
دی از آثار
ست. و آن
تی بود از
ز به موران
تاز
ت بیع هر
سین
جهت را به
وترس و
ن را فرو

می‌بیند که
همان
کنند که
نه که این
معه، ما
نست که
رنگی با
ید کرد.

و موی)
و همی برای
سوع که آیا
مردی وجود
رسید که
که میک از
سبب ادوار
دیت به هم،
در نگارش
که در این
ب و فرهنگ

می‌آید. دیگر آنکه پاره‌ای از صاحب نظران ما استناد می‌کنند به یکی از تواقیع حضرت ولی‌عزیز امرالله خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران به این عبارت "قبلاً راجع به اهمیت لغت عربی و تعلیم آن به اطفال و تاسی و متابعت لحن الواح مبارکه در منشآت امریه و تقریر و تحریر و نشریات یاران و پیروان امر حضرت رحمن در آن سامان دستور صریح صادر و همچنین بواسطه زائرین تأکید گشت. مسامحه و اهمال قطعاً جائز نه و تقلید و ترویج افکار و عقاید حالیه راجع به انفصال این دو لغت یعنی فارسی و عربی بسیار مضر. یاران را محفل ملی روحانی باید تذکر دهند و تشویق و دلالت نمایند" و نتیجه می‌گیرند که انحراف از لحن الواح مبارکه در تحریر و تقریر جائز نیست. شاید توضیحاتی که اینک به عرض می‌رسانم این توهم را تا اندازه‌ای برطرف نماید. به نظر این بنده مقصود از "لحن الواح" جوهر کلام و پیامی است که در الواح جاری است، یعنی ادب، متانت، لطافت، کمال و تعادل. از جمله موازین تعادل خودداری از گرایش افراطی به کاربرد لغات عرب، یا عکس آن، گرایش تفریطی به سزهنویسی است. شأن نزول این توقیع مبارک چنانکه از جمله آخر آن به خوبی آشکار است برحذر داشتن احبّاء از درگیر شدن در جنگ بین مَلَمَع‌نویسان و سرهنویسان بوده است که در زیر پوشش جدل ادبی مقاصد سیاسی هم داشته‌اند. شیوه تحریر الواح مبارکه، بسته به اینکه از قلم کدامیک از طلعات مقدسه صادر شده، و نیز بسته به نزولی بودن یا اندازی بودن یا عمومی و خصوصی بودن یا ارشادی و تشویقی بودن، و بالاخره بسته به مخاطب لوح که چه شخص یا اشخاصی بوده‌اند و موقع و موضع و مورد خطاب، متنوع و متفاوت

بوده است. در آثار مبارکه از فارسی سره تا عربی یکدست هم‌جور دیده می‌شود. و بالاخره نظرتان را جلب می‌کنم به این نکته که در اوائل نهضت مشروطه طلبی گروهی از روشنفکران ایران تحت تأثیر پیشرفته‌های مغرب‌زمین در زمینه‌های صنعت و تکنولوژی از یکسو، و افکار ناسیونالیستی افراطی رایج در اروپا از سوی دیگر، بر آن عقیده شدند که علت تمام واپس‌ماندگی‌ها و نامرادی‌های ملت ایران را باید در غلبه عرب و استیلای اسلام بر ایران جستجو کرد و رواج فارسی سره را یکی از اسباب رهایی از آن وضع بد و بازگشت به شکوه و اعتبار گذشته دانستند. این دکترین بعد از استقرار مشروطه هم ادامه یافت و تا آنجا دامنه پیدا کرد که در دوران پهلوی جز ابزار سیاسی دولت قرار گرفت. یکی از دلایل ایجاد فرهنگستان زبان فارسی این بود که لغات فارسی جانشین برای لغات عربی بیابند و به عبارت دیگر فارسی باستان را بازسازی کنند. پیداست که چنین تیزی که حکایت از ملیت‌گرایی افراطی و غیر واقع‌بینانه داشت نمی‌توانست با جوهر آئین بهائی که بر تعادل و عقل‌گرایی استوار است مطابقت داشته باشد، و چون در جو احساساتی آن موقع ظاهراً دکترین فارسی سره و سرهنویسی بر بعضی از جوانان پرشور بهائی نیز اثر گذارده بود حضرت ولی‌امرالله با صدور این توقیع، و قبل و بعد از آن بوسیله زائرین، احبّاء را برحذر داشتند که تحت تأثیر آن احساسات زودگذر قرار نگیرند، و دیدیم که زمان این نظر صائب آن مولای دوراندیش را به ثبوت رساند. سرهنویسی از حدّ کوشش‌های آزمایشگاهی تجاوز نکرد و نثری که به مرور مقبول اکثریت مردم قرار گرفت نثری بود روان و ساده و دلنشین، آمیزه‌ای از لغات هر دو زبان، دور از واژه‌های مهجور و بد

آهنگ و آراسته به زیور رسائی و شیرینی.»
چون سخن بدینجا کشید میل دارم این
را هم بگویم که مجله، نفیس پیام بهائی با
درج مقالاتی از قبیل «فارسی را دریابیم»،
«فارسی را درست بنویسیم»، «هویت بهائی
و هویت ملی ما» و «زبان آثار مبارکه»
بهائی» در شماره‌های امسال خود، و نیز
نقل آثاری از ادیبان و شاعران غیر بهائی در
شماره‌های یکی دو ساله، اخیر خود، عزمش
را در حفظ و اشاعه و تحوّل زبان فارسی در
بین بهائیان مقیم خارج از ایران از یکسو و
برقراری ارتباط فرهنگی بین ایرانیان بهائی و
غیر بهائی از سوی دیگر آشکار کرده است.
شاید یکی از مراحل تکاملی این حرکت آن
باشد که به شاعران و نویسندگان امروزی‌تر
بهائی اجازه دهد تا آثارشان فارغ از حال و
هوای شدیداً مذهبی یا انگاره‌های غیر قابل
تعدیل سلیقتی در صفحات مجله جای گیرد
تا از طرفی این شاعران و نویسندگان بال و
پری گیرند و پروازی آغازند و از طرف دیگر
هموطنان ایرانی دریابند که بهائیان امروز،
همچنان بهائیان دیروز، در پیشبرد فرهنگ
کشورشان سهیمند. بدین ترتیب بین ستدها
و داده‌های پیام بهائی به تدریج موازنه‌ای
ایجاد خواهد شد که عبور يك نسل را از
مرحله‌ای به مرحله، دیگر و تلاقی دو تیره،
دور شده از هم را در پی خواهد داشت.

یادداشتها

- ۱- مقاله «سبک امری کدام است؟»،
خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۱)، ۱۹۹۰
میلادی، لندگ- سویس، صص ۳۵-۵۲.
- ۲- سوره ابراهیم، آیه ۴.
- ۳- مائده، آسمانی، ج ۸، ص ۱۴۵.

غزل برای درخت

سیاوش کسرائی

تو قامت بلند تماشائی ای درخت
همواره خفته است در آغوش آسمان
بالایی ای درخت
دستت پر از ستاره و جانت پر از بهار
زیبائی ای درخت.
وقتی که بادها
در برگهای درهم تو لانه می‌کنند
وقتی که بادها
گیسوی سبزفام تو را شانه می‌کنند
غوغایی ای درخت.
وقتی که چنگ وحشی باران گشوده است
در بزم سرد او
خیاگر غمین خوش آوایی ای درخت.
در زیر پای تو
اینجا شب است و شب زدگانی که چشمشان
صبحی ندیده است.
تو روز را کجا
خورشید را کجا
در دشت دیده غرق تماشائی ای درخت؟
چون با هزار رشته تو با جان خاکیان
پیوند می‌کنی
پروا مکن ز رعد
پروا مکن ز برق که بر جایی ای درخت.
سر برکش ای رمیده که هم‌چون امید ما
با مایی ای یگانه و تنهایی ای درخت.

حکایت مشهدی علی قهوهچی

قدسیه علائی

هو الله

جناب مشهدی علی قهوهچی

هو الابهی

ای خادم احبّاء الله، ای غاصب حقّ عبدالبهاء، خدمت یاران و خادمی دوستان منصب ابدی و مأموریت سرمدی این عبد است و تو منصب مرا غصب نمودی و در کمال دلیری مشی و حرکت می نمائی. از خدا بترس. این رداء من است، چرا در بر نمودی و این تاج من است چرا بر سر نهادی؟ یا عهد و کالت می کنی که بالتیباه از من در کمال خضوع و خشوع به خدمت احبّای الهی قیام نمائی و از ادعای اصالت بگذری و یا آنکه شکایت به قاضی شهر و مفتی قصر می نمایم. الحمد لله مجتهدین بسیار، به یک نقض عهد رشوت هر حکم می توان گرفت والسلام. عع

افتخار مشهدی علی نازل می شود. آقای نعمت علائی هم که اغلب مسافر راه قزوین و طهران بود به قهوهخانه، او می رفت و با او دوست و آشنا بود. بعد از مدتی مشهدی علی قهوهخانه را می بندد چون به خاطر ضرر قادر به ادامه، کسب و کار نبود. یک شب به منزل آقای نعمت علائی رفته می گوید قربان، دیگر قادر به ادامه، این کسب نیستم و حتی یک دینار پول ندارم که امشب غذا بخورم. آقای علائی مقداری پول به او می دهد و می گوید فردا صبح بیا اینجا، من تو را با درشکه، خودم به انبار غله می برم، ولی تو نزدیک اداره پیاده شو، بعد بیا پیش من. همین کار را انجام می دهد. وقتی جناب علائی در اطاقش پشت میز می نشیند پیش خدمت می آید و می گوید شخصی به نام مشهدی علی کاری دارد و می خواهد شما را ببیند. جناب نعمت علائی

جناب مشهدی علی قهوهچی مابین راه طهران و قزوین قهوهخانه ای داشت و مسافرین اعم از احباب و اغیار برای صرف غذا و چای به قهوهخانه، او می رفتند. این شخص با اغلب مسافرین صحبت امری می کرد و آنها را تبلیغ می نمود. جناب سررشته دار که سررشته دار راه طهران و قزوین بود اغلب به این قهوهخانه می رفت و در نتیجه، صحبت های مشهدی علی کم کم مؤمن به امر مبارک شد. یک روز که در قهوهخانه مشغول صرف چای بود و در ضمن عریضه حضور مبارک عرض می کرد مشهدی علی از او پرسید چه می نویسی؟ سررشته دار می گوید عریضه حضور مبارک حضرت عبدالبهاء عرض می کنم. مشهدی علی می گوید: «سلوم ما را هم برسان.» در جواب سلوم ما را هم برسان لوح مبارک که زینت بخش بالای این صفحه است به

خوانندگان عزیز

یازده ماه از سال جاری گذشته و مجله سر ماه مرتباً تقدیم شما شده است. اما کم نیستند دوستانی که هنوز حق اشتراك سال ۱۹۹۵ را نپرداخته‌اند و مخارج ما نیز بخاطر گران شدن بهای کاغذ و چاپ و سایر هزینه‌ها روزافزون است. اگر پرداخت حق اشتراك از طریق بانک به شرحی که در صفحه ماقبل آخر آمده مشکل است می‌توانید آن را به نمایندگان ما در کشور یا شهر خود بپردازید. با ما برای گرفتن نام آنان تماس بگیرید. از سایر علاقمندان مجله تقاضا داریم برای سال آینده که از دو ماه دیگر آغاز می‌شود يك مشترك جدید به ما معرفی کنند و از این راه بیاری مجله خود بشتابند.

صورتش از خجالت سرخ شد و به مشهدی علی هیچ نگفت. ولی بعد به من گفت دیدی چگونه به ما زد و نفسمان در نیامد. مقصود قدرت ایمان این مرد و شجاعت در تبلیغ است که می‌فرمایند:

«نزد بزرگان مرا یاد آرید و مترسید.»

پس از مدتی يك روز صبح جمعه مشهدی علی به منزل جناب علانی می‌آید و می‌گوید: «قربان، من این ماه از این عالم می‌روم. تو وصی من هستی. دارائی من يك لوح خط اصل، دو گلدان یاس و دو چراغ گردسوز است که برای تو آورده‌ام. هر کاری می‌خواهی بکن.» جناب نعمت علانی تعریف می‌کردند که آخر ماه خیر آوردند که مشهدی علی صعود کرده است. پس از تشییع جنازه، جناب علانی دو گلدان و دو چراغ را تقدیم حظیره القدس طهران که تازه ساخته شده بود کردند و لوح اصل را نگاه داشتند. نسخه اصل این لوح بعدها به ارض اقدس ارسال شد.

می‌گوید بیاید توی اطاق ببینم چه کار دارد. مشهدی علی تقاضای کار می‌کند. جناب علانی شخص مسئول را صدا می‌کند و می‌گوید همین الان این شخص را بگذارید سر بوجارها* که رسیدگی کند. فوراً او را می‌برند و کار می‌دهند. بعد از يك ماه که حقوقش را می‌گیرد به اطاق نعمت علانی می‌آید و پولی را که به عنوان کمک گرفته بود پس می‌دهد. جناب علانی به او سفارش می‌کند از حقوقش نگهداری کند که پولی داشته باشد. بعد از سه چهار ماه از مشهدی علی می‌پرسد چقدر پس‌انداز کرده‌ای؟ می‌گوید قربان، هیچ ندارم. نعمت علانی می‌پرسد پس پولهایت را چه کردی؟ می‌گوید قربان، هر روز که دست از کار می‌کشم قند و چائی می‌خرم و سماور حلبی بزرگی خریده‌ام، رفقا را جمع می‌کنم، بساط تبلیغ راه انداخته‌ام و چند نفر تا حالا بهائی شده‌اند. جناب نعمت علانی تعریف می‌کرد در دو سال که این مشهدی علی در انبار گندم کار می‌کرد در حوالی انبار غله متجاوز از يك صد نفر بهائی شدند. در آن موقع جناب علانی در انبار گندم طهران معاون اداره غله بود. به هر جهت این بساط تبلیغ مشهدی علی بوجار به گوش رئیس انبار غله می‌رسد. يك روز که رئیس اداره و آقای نعمت علانی با هم در حیاط اداره راه می‌رفتند مشهدی علی قهومچی را می‌بینند. رئیس انبار غله که سرتیپ ارتش بود به مشهدی علی می‌گوید شنیده‌ام در اداره مردم را بابی می‌کنی، چرا نمی‌آئی مرا تبلیغ کنی؟ مشهدی علی در جواب می‌گوید قربان، اگر تو تبلیغ بشو بودی دو سال است با آقای علانی کار می‌کنی تبلیغ شده بودی. علانی اظهار می‌کرد این جناب سرتیپ تمام

* بوجاری: پاک کردن غلات و حبوبات از خاک و خاشاک بوسیله غربال.

جامعه بین‌المللی بهائی و روابط آن با سازمان ملل متحد (۲)

امیرفرهنگ ایمانی

شرکت نمایندگان بهائی در کنفرانس‌های سازمان‌های غیر دولتی

جامعه بین‌المللی بهائی در بسیاری از کنفرانس‌های محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی سازمان ملل متحد شرکت نموده است. مشارکت نمایندگان در مذاکرات در مواضع مختلفه ارزنده بوده و جلب توجه انظار را نموده است. از آن جمله می‌توان به پیوستن جامعه بهائی به عهدنامه "منع کشتار جمعی" Genocide*، شرکت در کنفرانس مربوط به مسائل کشورهای جدید و در حال رشد و غیره که هر یک حائز اهمیت فراوان است اشاره کرد.

استخلاص یاران و شناسائی دیانت بهائی

جامعه بین‌المللی بهائی در جهت احقاق حقوق احباء و استخلاص یاران از تضيیقات وارده در برخی کشورها، در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ اقداماتی را آغاز نمود و در هنگام اوج گرفتن آزار و زجر و شکنجه یاران ایران از سال ۱۹۷۹ به بعد اقدامات مؤثر دیگری را به عمل آورد و دنبال نمود.

همچنین جامعه بهائی از سازمان ملل متحد آزادی دینی برای بهائیان و شناسائی دیانت

بهائی به عنوان يك دیانت مستقل جهانی را درخواست نمود.

در سال ۱۹۶۷ جامعه بین‌المللی بهائی اقداماتی در جهت جلب توجه دولت‌ها به شناسائی موقف جهانی و مستقل دیانت بهائی به عمل آورد. الواح مبارکه، ملوک تحت عنوان «اعلان عمومی امر حضرت بهاء‌الله» - The Proc- lamation of Baha'u'llah که صد سال پیش از آن از قلم حضرت بهاء‌الله خطاب به پادشاهان و زمامداران و سران دولت‌ها نازل شده بود توسط سفرای دائمی ۵۶ مملکت در سازمان ملل متحد به سران آن ممالک اهداء شد. این مجموعه نفیس توسط یاران نیز به شخصیت‌های مهم در ممالک مختلفه تسلیم گردید.

توسعه امور اداری جامعه بین‌المللی بهائی

تا سال ۱۹۶۷ جامعه بین‌المللی بهائی تحت نظر محفل ملی بهائیان امریکا از جانب محفل مذکور و سایر محافل روحانیه، ملیه و وظائف خویش را انجام می‌داد. ولی از آن تاریخ به بعد با گسترش فعالیت‌های جامعه بین‌المللی بهائی این جامعه مستقیماً زیر نظر و هدایت بیت العدل اعظم الهی کار خویش را ادامه داده است.

* Genocide به معنی از بین بردن انسان‌ها و پایان دادن به يك نژاد و جنس یا دیانت و یا کشور است.

مشورتی به آن دسته از سازمان‌های غیردولتی داده می‌شود که بتوانند کمک‌های مؤثری به سازمان ملل متحد نمایند.

مقام مشورتی طبقه ۲ به جامعه بین‌المللی بهائی این امکان را می‌دهد که بتواند نظراتش را هم کتیباً و هم شفاهاً در جلسات شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC)، کمیسیون‌های مختلفه و کمیته‌ها و گروه‌های اجراء کننده ارائه دهد.

پس از احراز مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۰ تلگرامی از بیت العدل اعظم الهی به محفل ملی بهائیان ایالات متحده مخابره گردید:

«با نهایت مسرت توفیقی را که نسبت به احراز مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد حاصل گردیده به عالم بهائی اعلام می‌دارد. با حصول این موققت آرزوی دیرین ولی محبوب امرالله و هدف منظور در نقشه ۹ ساله مرکز جهانی بهائی برآورده شد. مساعی مستمر و مداوم نمایندگان رسمی جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل در طی مدتی متجاوز از بیست سال و همچنین پشتیبانی خالصانه جوامع بهائی در سراسر عالم بالمآل نتیجه مشكور و ثمر مطلوب خویش را آشکار ساخت. این موققت مهم بر حیثیت و مقام و همچنین بر نفوذ و شناسائی امر دائم الاتساع حضرت بهاءالله خواهد افزود. در اعتاب مقدسه به تقدیم ادعیه و سپاس مألوفیم. با تحیات مشتاقانه بهائی.» بیت العدل اعظم (ترجمه)

دوره جدید در روابط

جامعه بین‌المللی بهائی با سازمان ملل متحد با احراز مقام مشورتی دوره جدیدی در روابط جامعه بین‌المللی بهائی با سازمان ملل

در سال ۱۹۷۶ دفتر دائمی جامعه در نیویورک تأسیس شد و دکتر ویکتور دو آرجو - Dr. Vic-tor De Araujo به سمت نماینده دائمی بهائی در سازمان ملل متحد منصوب و موظف شد مستقیماً تحت نظر معهد اعلیٰ انجام وظیفه نماید. خانم میلدرد متحده که خدمات برجسته‌ای را بطور نیمه وقت در دفتر جامعه بین‌المللی بهائی به مدت ۲۰ سال انجام داده بود از این مسئولیت سنگین آزاد شده به عنوان نماینده متناوب جامعه بین‌المللی بهائی در نظر گرفته شد. همچنین دفتر بین‌المللی نوبنیاد بهائی در ژنو با انتخاب اعضای جدید تقویت و تحکیم گردید و در سال‌های بعد (۱۹۸۳) با اقدامات تکمیلی، دفتر نیویورک نیز توسعه و تحکیم یافت.

احراز مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

سالیانی قبل محفل ملی بهائیان امریکا از طرف جامعه بین‌المللی بهائی به سازمان ملل متحد تقاضائی تسلیم نموده بود مشعر بر اینکه جامعه بین‌المللی بهائی به عنوان يك سازمان بین‌المللی صالح برای مشورت، از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد شناخته شود. البته این موقعت یعنی کسب مقام مشورتی مهم‌تر از شناسائی جامعه بهائی به عنوان يك سازمان غیر دولتی بود، ولی مقامات مربوطه سازمان ملل متحد تصمیم نهائی را به آینده موکول نموده بودند.

سراجم پس از ۲۰ سال جامعه بین‌المللی بهائی مقام مشورتی طبقه ۲ را در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد احراز نمود، که مهم‌ترین پیشرفت در روابط جامعه بهائی با سازمان ملل متحد بشمار می‌رود. مقام

متحد آغاز گردید و اکنون جامعه بین‌المللی بهائی می‌تواند در کلیه اجلاس‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و سمینارهایی که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی منعقد می‌شود شرکت نماید. در اینجا نمایندگان بهائی دیگر "ناظر" نیستند بلکه می‌توانند بیانیتهای و اعلامیه‌های کتبی و یا نظریات شفاهی نیز ارائه نموده انتشارات وسیعی را بطور مستقیم و یا بوسیله سازمان ملل متحد به عنوان یکی از اسناد رسمی پخش نمایند.

جامعه بین‌المللی بهائی حالیه مورد مشاوره سازمان ملل متحد درباره مسائل مورد اقدام این سازمان می‌باشد.

جامعه بین‌المللی بهائی برای اولین بار بطور رسمی در اجلاس‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل و کمیته اجرائی و کمیته‌هایی که در تابستان ۱۹۷۰ تشکیل شده بود و نیز در بیست و سومین جلسه کمیته فرعی منع از تبعیض و حمایت اقلیتها شرکت نمود.

در نتیجه احراز مقام مشورتی و شهرت جامعه بین‌المللی بهائی به عنوان طرفدار حقوق بشر، از جامعه بین‌المللی بهائی دعوت به عمل آمد که نمایندگان خود را به سمینارهای مجامع تحقیق و بحث ویژه سازمان ملل که به مناسبت سال بین‌المللی مبارزه با نژادپرستی و تبعیضات نژادی در سال ۱۹۷۱ تشکیل شده بود اعزام دارد.

دگر بار از جامعه بین‌المللی بهائی دعوت به عمل آمد که در کنفرانس سازمان ملل که درباره «محیط زیست انسانی» در شهر استکهلم- سوئد در جون ۱۹۷۲ تشکیل شده بود شرکت نماید. در این کنفرانس بیش از یکصد دولت دور هم جمع شده بودند تا اولین

قدم را در جهت همکاری جهانی در مورد محیط زیست انسانی بردارند. جامعه بین‌المللی بهائی قبل از جلسه کنفرانس بیانیتهای ارائه نمود که منتج به اصلاح برخی از توصیه‌های کنفرانس گردید و در بیانیه مشترک که بوسیله سازمان‌های غیر دولتی تهیه شده بود مشارکت کرد و يك جزوه مخصوص به نام «محیط زیست و ارزش انسانی» شامل نظرات بهائی تهیه نموده بود که بین ۱۵۰۰ نفر از نمایندگان دول و ۶۰۰ نفر ناظر حاضر در کنفرانس توزیع گردید.

شرکت نمایندگان بهائی در جلسات سالیانه ECOSOC و سایر کنفرانسها

جلسات سالیانه یا شش‌ماهه ECOSOC و گروه‌های مربوط به آن که نمایندگان جامعه بین‌المللی بهائی در آنها شرکت دارند عبارتند از کمیسیون‌های حقوق بشر، اسکان، داروهای مخدر، مقام و موقعیت زنان، جمعیت و توسعه اجتماعی، کمیسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای برای امریکای لاتین، کارائیب، افریقا و اروپا، کمیسیون جلوگیری از تبعیض و محافظت اقلیتها، کمیته جلوگیری و کنترل جنایت و سازمان‌های غیر دولتی NGO.

از سال ۱۹۷۰ جامعه بین‌المللی بهائی در جلسات نهادهای مختلف سازمان ملل متحد شرکت نموده و مطالب زیر را که مورد توجه و علاقه خاص بهائیان بود به صورت بیانیتهای تقدیم نموده است:

حقوق بشر، توسعه اجتماعی، مقام و موقعیت زنان، حفظ محیط زیست، اسکان، کشاورزی، علم و صنعت (تکنولوژی)، منابع جدید و قابل تجدید، جمعیت، قانون دریا، جلوگیری از جنایت، داروهای مخدر، اطفال،

پیام بهائی شماره ۱۹۲

بیش از پیش مورد توجه مردم و دولت‌ها قرار داشت و سیاستمداران سطح بالا، از جمله سران برخی دول، برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی ممالک خویش و همچنین در سطح وسیع‌تر در مورد مسائلی مانند صلح جهانی خواستار نظریات جامعه بهائی بودند. نمایندگان جامعه، بین‌المللی بهائی در بیش از یکصد جلسه، مشورتی سازمان ملل متحد و کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت کردند و بیش از ۱۰۰ اعلامیه و گزارش به هیئت‌های مختلف سازمان ملل متحد ارائه نمودند.

با قبول هرچه بیشتر مسئولیت‌ها در داخل جامعه، سازمان‌های غیر دولتی سازمان ملل متحد در نیویورک، ژنو و وین، نمایندگان بهائی در کمیته‌های غیر دولتی که کارشان رسیدگی به حقوق بشر، خانواده، زنان، اسکان، توسعه، اقتصادی، جوانان، اطلاعات همگانی و اطفال می‌باشد همکاری داشته و دارند.

دفاتر تخصصی جامعه، بین‌المللی بهائی

با خارج شدن دیانت بهائی از مرحله، مجهولیت، دفاتر تخصصی جامعه، بین‌المللی بهائی به تدریج بوجود آمدند.

- دفتر بهائی سازمان ملل متحد بکار خود ادامه می‌داد.

- يك دفتر اطلاعات عمومی در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد که مرکز اصلی آن در حیفا- اسرائیل بود و يك دفتر هم در نیویورک داشت. این دفتر مسئولیت همگانی و روابط عمومی جامعه، بین‌المللی بهائی را به عهده گرفت و مطالب جالب دنیای بهائی را جهت درج در مطبوعات تهیه می‌نمود و مطالب تخصصی از جمله در مورد ساختمان مشرق‌الاذکار هندوستان را پخش نمود

جوانان، خانواده، اشخاص علیل، ساخوردگان، دانشگاه سازمان ملل متحد، خلع سلاح، رفع تعصبات نژادی و اکتشاف و استفاده، صلح‌جویانه از فضا. از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد جوامع بهائی در امور سازمان ملل متحد بخصوص در سطح منطقه‌ای فعالیت داشته‌اند. در مواقع مختلف که سازمان ملل متحد کنفرانس منطقه‌ای یا جهانی ترتیب می‌داد محفل ملی مملکت میزبان در فعالیت‌های قبل و حین کنفرانس شرکت داشت. در چنین کنفرانس‌های منطقه‌ای خبرگان بهائی منطقه از طرف جامعه، بین‌المللی بهائی شرکت می‌کردند. ضمناً جوامع ملی و محلی بهائی به شرکت خود در بزرگداشت روزها و سالروز مخصوص سازمان ملل متحد ادامه داده و می‌دهند.

احراز مقام مشورتی در مؤسسه،

یونیسف سازمان ملل متحد

در سال ۱۹۷۶ مؤسسه، یونیسف UNICEF صندوق کودکان ملل متحد نیز مقام مشورتی به جامعه، بین‌المللی بهائی اعطاء نمود.

هدف یونیسف کمک به کشورهای در حال توسعه است تا شرایط زندگانی کودکان و جوانان خود را بهبود بخشند. یونیسف در زمینه، بهداشت، تغذیه، رفاه اجتماعی، تعلیم و تربیت حرفه‌ای اطفال و نوجوانان کمک می‌کند. همچنین به دولت‌ها کمک می‌نماید تا نیازهای اساسی کودکان خود را ارزیابی کنند و برنامه‌های جامعی برای رفع آنها طرح‌ریزی نمایند.

فعالیت‌های جامعه، بین‌المللی بهائی

در سطوح مختلفه، از سال ۱۹۸۶ به بعد

بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۳ دیانت بهائی

و اطلاعاتی راجع به دیانت بهائی به زبان‌های مختلف نشر و اشاعه نمود و نمودارها و دفترچه‌هایی برای دفاتر دیگر جامعه بین‌المللی بهائی تهیه کرده است.

این دفتر با تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی روابط برقرار کرده است. از جمله در سال ۱۹۸۹ جامعه بین‌المللی بهائی با همکاری شبکه حفاظت طبیعت و دیانت (Worldwide Fund for Nature's Network on Conservation and Religion) پروژه‌ای به عنوان "هنر برای طبیعت" (Arts for Nature) در یک میهمانی که حضرت روحیه خانم و پرنس فیلیپ هر دو سخنران آن بودند به موقع اجرا نهاد.

این دفتر از طریق عضویت در انجمن خبرنگاران خارجی نیویورک و انجمن روابط عمومی مذهبی روابطی را با مطبوعات برقرار کرده است.

در اوایل سال ۱۹۸۹ دفتر اطلاعات عمومی اقدام به انتشار یک مجله سه ماهه به نام "یک وطن" One Country نمود که برای اشخاص و سازمان‌های سرشناس و متنفذ فرستاده می‌شود. مقالات نشریه One Country حول مساعی جامعه بهائی درباره توسعه، آموزش، حقوق بشر، حفظ محیط زیست و سایر مسائل اجتماعی متمرکز است. این نشریه به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، چینی، روسی، آلمانی و اسپانیولی منتشر می‌شود و در سال ۱۹۹۱ به دریافت جوایزی نائل آمده است.

- دفاتر دیگری برای روابط عمومی در هنگ‌کنگ (که در سال ۱۹۹۲ بسته شد) و در لندن و پاریس باز شدند.

- دفتر دیگری در سال ۱۹۹۱ برای اقیانوس آرام در سووا Suva و فیجی Fiji باز شده بود که

در سال ۱۹۹۲ به خاطر تغییر محل بسته شد. - دو دفتر مرکزی دیگر به خاطر مسائل خاصی اضافه شدند: یکی "دفتر حفاظت محیط زیست" The Office of the Environment که در سپتامبر سال ۱۹۸۹ بوجود آمد و دیگری "دفتر پیشرفت امور زنان" The Advancement of Women که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد. محل مرکزی این دفاتر در نیویورک بود.

- دفاتر دیگری در سال ۱۹۸۴ در کانادا، پاکستان و سوئیس برای کمک به پناهندگان باز شده بود که در سال ۱۹۹۱ به علت فیصله یافتن این مسئله بسته شدند.

بهائیان از موقعیتهایی که در سال جهانی زن (۱۹۷۵) بوجود آمده بود کمال استفاده را نمودند. بیت العدل اعظم الهی دو نفر خانم بهائی را به نمایندگی جامعه بین‌المللی بهائی به کنفرانس تاریخی و جهانی که در شهر مکزیکوسیتی Mexico City تشکیل شده بود اعزام داشتند. نه نفر نیز به نمایندگی از طرف جامعه بین‌المللی بهائی در کنفرانس سازمان‌های غیر دولتی که همزمان با این کنفرانس برقرار بود شرکت کردند. بهائیان در فعالیتهای این کنفرانس از جمله برپایی یک نمایشگاه و ترتیب یک ضیافت شرکت داشتند.

نظر به اینکه سال جهانی زن ۱۹۷۵ و به دنبال آن دهه زن (۱۹۸۵-۱۹۷۶) توجه جهانیان را نسبت به شرکت زنان در امور اجتماعی برانگیخت جامعه بین‌المللی بهائی گزارشی که مبتنی بر جوابهای ۸۱ محفل بود به عنوان سهم جامعه بهائی در تهیه و تدارک سال زن (۱۹۷۵) به سازمان ملل متحد تقدیم کرد.

دهه زن شاهد مشارکت بیشتر جامعه بهائی در فعالیتهای سازمان ملل متحد/

آشنائی با هنرمندان

صدای سحر آسای سنتور مسعود

منوشان علائی



تقریباً چهل سال قبل هر وقت از خیابان شیرین که در نزدیکی حظیرة القدس طهران بود می‌گذشتم صدای دلنشینی می‌شنیدم، صدای سنتور مسعود. همه همسایگان او را می‌شناختند. پنجه شیرینی داشت و نرمی و سبک نواختن سنتور او معروف خاص و عام بود. مسعود در آن ایام بیش از ۱۳ یا ۱۴ سال نداشت. جناب بلبل معانی شاعرخوش قریحه برای آهنگهایی که مسعود می‌ساخت شعر می‌سراییدند و آن آهنگ‌ها در جشن قزوین شرکت جوانان هنرمند بهائی اجراء می‌شد. مسعود میثاقیان در آن ایام تکنواز رادیو طهران بود و به نام "هنرمند جوان و افتخاری رادیو" معرفی می‌شد. ۱۵ سال روزهای جمعه صبح برنامه داشت. در جلسات و جشن‌های جوانان در امور موسیقی فعالیت و هنرنمایی می‌نمود بخصوص برنامه‌هایی که با صدا و دکلمه، شهید مجید جناب هوشنگ محمودی اجراء می‌شد طرفداران زیادی داشت. در سن ۱۷ سالگی در مسابقه‌ای شرکت کرد و در فن سنتورنوازی با اینکه از همه جوان‌تر بود نفر دوم شد و مفتخر به دریافت مدال نقره گردید. ابتدا نزد برادرش ذکراالله خان میثاقیان که کلاس موسیقی داشت کسب فیض کرد و بعد برای تکمیل این هنر نزد استاد حبیب‌الله سماعی و بعد از فوت ایشان نزد استاد ابوالحسن صبا به شاگردی نشست و فن نواختن

این ساز را به درستی آموخت. پس از اتمام دوران دبیرستان برای ادامه تحصیل عازم آلمان شد و در رشته ساختمان فارغ التحصیل گردید. ایادی عزیز امرالله جناب فیضی بی‌اندازه هنر مسعود را می‌ستودند و مشوق او در هر هنگام بودند. جناب فیضی برای مسعود چنین نوشته‌اند: «افسوس که از حضور مهر ظهورت دور و محروم هستم و آن پنجه‌های شیرین تو را روی ساز نمی‌بینم. از ساحت قدس الهی ملتسمم که همواره در اوج خوشنمایی و بزرگی باشی و ساکنان آن ارض قدر و قیمت آن عزیز را بدانند.» و در نامه دیگر مرقوم داشته‌اند: «از خدا خواهم و به درگاهش ملتسمم که آنچه تدارک و تهیه می‌بینی قدرش را دوستان و هموطنان عزیز بدانند.»

او موسیقی را بهترین وسیله تبلیغ می‌داند و به همین سبب توانسته است با سازی که متعلق به وطن جمال مبارک است در سفرهای وسیع تبلیغی خود امر عظیم الهی را به سمع همگان برساند.

نگاهی به کتابهای تازه

ع. ص. غبار

آغاز کرده و حکایاتی از طفولیت ایشان نقل کرده، بعد از عزیمت آن حضرت به کربلا و اظهار امر به ملاحظه و تشکیل حروف حی، عزیمت به مکه و مراجعت به شیراز سخن گفته و سپس سوانح ایام حیات هیکل اطهر را چنین دنبال می‌کند: عزیمت حضرت اعلیٰ به اصفهان، احوالات منوچهرخان، عزیمت به کاشان و ورود به تبریز، عودت به چهریق، فوت محمد شاه و آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، شهادت حضرت اعلیٰ به امر امیرکبیر، مقام اعلیٰ، صورت و سیرت حضرت باب، آیات و آثار نازله. این کتاب به تصاویر متعدد مزین گردیده است.

**

حیات حضرت عبدالبهاء - تألیف محمد علی فیضی، چاپ سوم، لجنه نشر آثار امری آلمان، ۲۷۹ صفحه، قطع پستی، جلد زرکوب، ۲۸ مارک آلمان.

مؤلف در این کتاب به شرح سوانح ایام حیات حضرت مولی الوری پرداخته با عناوین ذیل: تولد و ایام طفولیت حضرت عبدالبهاء، عزیمت به بغداد، ازدواج حضرت عبدالبهاء، اعلان کتاب عهد، مخالفت غصن اکبر، نفوذ امرالله در امریکا، ساختمان مقام اعلیٰ و استقرار عرش حضرت ربّ اعلیٰ، بعضی از حوادث ایران در دوره میثاق، سفر هیکل اطهر به مصر و اروپا و امریکا، مراجعت به ارض اقدس و جنگ جهانی

حضرت بهاء الله - تألیف محمد علی فیضی، چاپ سوم، لجنه نشر آثار امری به زبانهای فارسی و عربی آلمان، ۳۱۰ صفحه، قطع پستی، جلد زرکوب، ۲۸ مارک آلمان.

مؤلف وقایع مهم دوران حیات جمال اقدس ابهی را به ترتیب تاریخ ذکر کرده است. این وقایع از تولد ایشان شروع شده، سپس به شرح این رویدادها پرداخته است: اولین محبوسیت جمال مبارک، اجتماع بدشت، مسافرت به عتبات، حادثه تیراندازی به شاه، زندان سیاه چال، سرگونی به بغداد و هجرت به سلیمانیه، اظهار امر در باغ رضوان، عزیمت به اسلامبول و سپس به ادرنه، فصل اکبر و رفتار ناهنجار میرزا یحیی، نزول الواح ملوک و سلاطین، ورود به عکا، شهادت غصن اطهر، صعود آسیه خانم، تشرّف براون به حضور مبارک و صعود جمال اقدس ابهی. کتاب به تصاویر متعدد آراسته است و فهرست اعلام در آخر کتاب راهنمای مفیدی برای خواننده است.

**

حضرت نقطه اولی - تألیف محمد علی فیضی، چاپ سوم، لجنه نشر آثار امری آلمان، ۲۹۳ صفحه، قطع پستی، جلد زرکوب، ۳۲ مارک آلمان. کتاب با تصاویری چند از توقیعات حضرت اعلیٰ شروع شده است. مؤلف حوادث دوران حیات حضرت باب را از تولد ایشان در شیراز

از تمام دوران
ان شد و در
یادید. ایادی
مسعود را
جناب
فسوس که
هم و آن
ساحت
خوشنای و
قیمت آن
مرقوم
مش ملتسم
دوستان و
می‌داند و
که متعلق به
وسیع تبلیغی
برساند.

اول، پیشرفت امرالله در دوره، میثاق، صعود حضرت عبدالبهاء، تصاویر متعددی در این کتاب به چاپ رسیده است.

**

ریاض اللغات - تألیف دکتر ریاض قدیمی، جلد اول (همزه یا الف) ۱۳۴۶ صفحه، قطع ۲۳×۱۵ سانتیمتر، جلد زرکوب، چاپ زرکوب.

برای دوستان فارسی‌زبان که مشتاق به دستیابی به مفاهیم و معانی عالی، مندرج در متون آثار مبارکه به زبان نزولی هستند، آشنائی به زبان عربی از واجبات است و نیز به علت اینکه فارسی و عربی چون شهد و شکر به هم آمیخته‌اند، برای فهم معانی انبوه لغات عربی که در زبان فارسی کنونی وجود دارد، دسترسی به فرهنگ جامع عربی به فارسی حلال مشکلات خواهد بود.

محقق ارجمند و پرکار دکتر ریاض قدیمی در سال‌های اخیر لغتنامه‌های متعددی در ایران و خارج تألیف و چاپ کرده‌اند که آخرین آنها «فرهنگ لغات منتخبه» نام دارد که دو بار تجدید چاپ شده است. ایشان اینبار اثر کامل‌تری را تدوین نموده‌اند که «ریاض اللغات» نام گرفته است. تنها جلد اول این فرهنگ گرانقدر که اخیراً منتشر شده (همزه یا الف) به ۱۳۴۶ صفحه بالغ گردیده و با مجلدات دیگر که در پی دارد قطعاً مجموع صفحات آن به چندین هزار بالغ خواهد شد. انتشار این اثر را به مؤلف محترم و نیز به ناشر کتاب آقای مهندس نجاتی تبریک می‌گوئیم و توفیق ایشان را خواستاریم.

پیام بهائی: در یکی از شماره‌های آینده معرفی کامل این کتاب درج خواهد شد.

**

آثار گهربار - این کتاب چندی قبل توسط ایادی

عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن تألیف گردید و چون چاپ اول آن نایاب شده بود اینک چاپ دوم منتشر می‌شود. مؤلف محترم در ابتدای کتاب چنین نوشته‌اند: این مجموعه که حاوی احکام الهیه و بیانات مبارکه و تاریخ امر است برای یاران فارسی‌زبان بویژه جوانان عزیز خارج ایران تدوین و تألیف یافته و از آسان شروع و به تدریج مشروح‌تر گردیده تا دوستان حضرت یزدان از پیر و جوان از مندرجات آن که از منابع امریه مأخوذ گشته استفاده فرمایند و در حین مطالعه به حکمت تکرار بعض مطالب پی برند. این کتاب مفید از طرف جنه، ملی نشر آثار امری به زبان‌های فارسی و عربی در ۲۲۶ صفحه به قطع پستی و جلد زرکوب برای دومین بار منتشر شده و در مراکز فروش کتب امری به قیمت ۱۸ مارک به فروش می‌رسد.

**

تسلیم و رضا - مؤلف هوشنگ گهرریز، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، ۱۵۰ صفحه، قطع ۲۱×۱۴/۵ سانتیمتر، چاپ اول، ۱۹۹۵، ۱۶ مارک.

مؤلف پس از مقدمه و پیشگفتار کتاب را به ۱۱ مطلب به شرح زیر تقسیم کرده است:
سلوک در منهج رضای پروردگار - رضا به قضای الهی - توکل به حق - حق تعالی یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است - تفویض امور در کسب و تجارت - کسب رضای خلق - سالکین سبیل رضا - تسلیم و رضا در امتحانات الهیه - جبر و اختیار - آنچه در اختیار انسان است - آنچه که به اراده، حق است و انسان مجبور به قبول آنست.

کتاب‌شناسی و فهرست اعلام در آخر کتاب آمده است.

*جناب
مهاجرین
خدمت و
۱۶ ژوئن
رضا و سر
در عالم رؤی
وصالش به
و روح پاک
مهندسی
تشکیلات
مهندسی
ساختنی
خود را در
این مس
سرکار مهر
برومند پش
علائی و
تسلیم می
* جناب
موفق و خ
روحانی بر

نامه‌های خوانندگان

بخاطر افزونی یافتن تعداد نامه‌هایی که همراه به دفتر این مجله می‌رسد و مشکل نبودن صفحات کافی از این پس مجبوریم فقط نامه‌هایی که دارای مطالب مهم و اساسی هستند نقل نموده و در مورد سایر نامه‌ها به اعلام وصول آنها اکتفا نمائیم. برخی از اشعاری که وصول آنها اعلام می‌شود ممکن است بعداً در مجله درج شود. از خوانندگان ارجمند عذر می‌خواهیم و امیدواریم متوجه گرفتاری همیشگی ما که کمی صفحات مجله و کثرت مقالات است باشند.

آموخته شود نتیجه بهتری خواهد داد. چگونه است که وقتی يك خارجی يك کلمه فارسی حرف می‌زند با آفرین و احسن ما مواجه می‌شود ولی توقع داریم فرزندانمان که در خارج متولد شده و اینجا رشد یافته‌اند فارسی‌دان باشند، لذا با آنان بی‌حوصله‌گی می‌کنیم. این عشق و صبر و محبت موجب می‌شود که فرزندان ما در محیط ایرانیان احساس غربت ننمایند و با عشق، به اصل خود، که پیوند با وطن جمال مبارك دارد، بیندیشند.

* آقای Yrjo Mikkönen از بهائیان فنلاند نامه‌ای از طریق محفل روحانی ملی فرانسه به این مجله نگاشته‌اند که کپی آن را نیز برای محفل روحانی فنلاند ارسال داشته‌اند. خلاصه آن چنین است:

امروز همسرم شهناز بخش‌هایی از مقاله، هویت بهائی و هویت ملی ما را که در پیام بهائی شماره ۱۸۷ آمده است برای من خواند. این مقاله بسیار پر ارزش و پر محتواست زیرا مندرجات آن نه فقط برای بهائیان ایرانی که در خارج زندگانی می‌کنند بلکه برای همه بهائیان نیز گرانها می‌باشد. فقط ایرانیان بهائی نیستند که ممکن است به کناره جوئی از ریشه‌های طبیعی خود کشش داشته باشند. موضوع در مورد سایر بهائیان، فی‌المثل بهائیان فنلاند و یا هر بهائی بومی دیگر از هر کشوری که باشد جدی است. این‌گونه بهائیان پس از ایمان، و یافتن راه و هدف جدید برای زندگانی خود، شروع به احساس جدائی از "شیوه" قدیمی زندگی" نموده و به نفوذ

باز هم درباره

هویت بهائی و هویت ملی ما

* آقای بیژن روحانی با یاری جستن از ۲۱ سال سابقه و تجربه، زندگانی در خارج از ایران که در نقاط مختلف مهاجرتی گذشته، شرح مفصّلی در مورد مقاله، "هویت بهائی و هویت ملی ما" (شماره ۱۸۷) نگاشته و نکات جالبی را مطرح نموده‌اند. ایشان معتقدند گروهی که پیشتر سال‌های زندگانی خود را در ایران گذرانده و پس از انقلاب راهی خارج از کشور شده‌اند از سوئی آرزوی وطن و حال و هوای آن روزگار را دارند و از سوئی با مشکلات فرزندان خود و بیگانه شدن آنها با زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی مواجهند. این گروه جذب جامعه نشده و دیواری دور خود خواهند ساخت. مقالاتی از قبیل هویت بهائی و هویت ملی فقط ظاهر کردن آتش حسرت آنان از زیر خاکستر است. هویت هر فردی بر اساس مقتضیات محیط او شکل می‌گیرد و بر مبنای اینکه طفل در خانواده، ایرانی متولد شده یا نه نیست. فشار آوردن روی این مسئله موجب خواهد شد که اطفال بی‌گناه که به اراده، پدر و مادر خود به خارج آمده‌اند دچار دو یا چند هویتی گردند و سرگردان شوند. سپس نتیجه گرفته‌اند: این کار باید با عشق و حوصله انجام گیرد. اگر اطفال ما عادات خوب غربی‌ها را یاد بگیرند و هویت بهائی هم در قلب آنها کامل شود و با عشق و صبر به آنان زبان فارسی و آداب خوب ایرانی

ب. خوش
عکاسی و
ردم مانند
ت می‌نمود.
رخ داد و
ساموا و
ن سامان
و قریب
بهائی، از
ن شرکت
ت می‌چهل
ت نشدنی
ر منطقه،
سنگش در
ت و سهم
کار ساموا
ده، علائی
ن ریاض،
ن ایشان
ن بوالفضل
ن (تنظیم

هر پدیده - مخصوصاً پدیده‌های فرهنگی - که خارج از جامعه بهائی و جامعه محلی آنان باشد دلزدگی و بیگانگی نشان می‌دهند. با این‌گونه طرز فکر چگونه خواهیم توانست با غیربهایانی که باید آنان را تبلیغ کنیم بطور طبیعی رفتار کنیم؟

من قویاً توصیه می‌کنم که این مقاله که مسئله هویت بهائی را در رابطه با هویت ملی و محلی به طرز تازه‌ای بررسی می‌کند به انگلیسی ترجمه شود و در دسترس سایر بهائیان قرار گیرد. بنظر من مطالعه این مقاله بسیاری از سوء تفاهماتی که بین ما بهائیان در این مورد هست برطرف خواهد کرد.

- پیام بهائی از خاتم شهناز می‌کونن تقاضا دارد پیام تحیت آمیز ما را به همسر گرامیشان برسانند و از قول ما بگویند متأسفانه گرفتاریهای ما اجازه این کار را نمی‌دهد. چندی قبل نیز یکی از خوانندگان پیشنهاد کرده بود تمامی مقالات این مجله به انگلیسی ترجمه شده هرماه چاپ شود. به ایشان نیز نوشتیم که این کار در قدرت و توان ما نیست. اگر با مشکلات مالی و غیره که داریم به همین خدمت کنونی هم موفق باشیم جای شکرانه است. بهرحال، ترجمه مطالب این مجله آزادست و ایشان اگر این کار را با کمک شما بکنند اجرتان مأجور باد.

* آقای دکتر جواد حقیقی می‌نویسند: آنچه در کتب و نشریات امری ما مندرج است اعتقادات و باورهای مؤمنین دیانت بهائی است، یا مطالبی است که پیرامون اعتقادات اصلی به صورت توضیح و تشریح و تعبیر نگاشته شده ... آنچه بنظر اینجانب در حال حاضر جایش در نشریات ما خالی است اظهار نظرات در باره مطالبی است که یا تا کنون به دلائلی (از جمله روش ثابت نشریات) مورد بحث و گفتگو قرار نگرفته و یا بیان عقایدی است که با آنچه تا

کنون مورد قبول بوده مغایرت و حتی مخالفت دارد. البته نصوص الهیه و بیانات مبارکه، هیاکل مقدسه و قرارهای بیت عدل اعظم الهی و سایر مصوبات تشکیلات امریه و امثال آن جز اطاعت جای بحث و گفتگویی در مورد آنها نیست. ولی صدها بلکه هزاران مطلب و موضوع دیگر هست که می‌توان درباره آنها به بحث و گفتگو پرداخت و یا در مورد عمل و اجرای آنها نظریات و آراء جدیدی داد. بطور مثال می‌توان در مورد مسائلی مثل تعلیم و تربیت، روش تبلیغ، ادبیات و هنر، معاشرت و مجالست، ترتیب جلسات، لباس پوشیدن، تفریحات و تلویزیون ... و صدها مسئله دیگر به بحث پرداخت. پیشنهاد می‌شود صفحات یا بخشی از مجله به این نوع مقالات اختصاص یابد و خوانندگان بطور آزاد نظریات خود را با رعایت روحانیت و نزاکت ابراز دارند تا مورد اظهار نظر سایر علاقمندان قرار گیرد.

- پیام بهائی: جانا سخن از زبان ما می‌گوئی. طرح مسائلی در این مجله مثل کندی گسترش امر الهی، هویت ملی و هویت بهائی، فارسی‌نویسی و غیره به همین منظور بوده است. از پیشنهاد آقای دکتر حقیقی استقبال می‌کنیم و منتظر مقالات خوانندگان صاحب نظر از جمله خود ایشان هستیم.

* آقای هوشنگ مجیدی مقاله‌ای تحت عنوان "بیگانه کیست" ارسال داشته، پس از بیان توضیحاتی که بر اهل بها رفته و شهادت بیگناهان و سروری بر تاریخ امر و سایر ادیان نتیجه می‌گیرند: از نظر فرهنگ بهائی اصولاً برای واژه بیگانه مفهومی وجود ندارد. حتی بموجب نصوص نازله از جمال اقدس ابهی و الواح صادره از کلک حضرت مولی الوری کسانی که بخاطر دشمنی‌شان با آئین الهی به جان عزیزان ما حمله می‌کنند از این قاعده مستثنی نیستند. سپس مقاله را با نقل بیان مبارک حضرت عبدالبهاء از

مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۷۶ خطاب به خانمی امریکائی در یافولو خاتمه داده‌اند که در بخشی از آن می‌فرمایند: "اهل بغضاء و عناد و ظلم و بیداد و تعصب جاهلیه که از شدت غبار مانند سنگ سیاه شده‌اند که پرتو آفتاب در آن سطوع و اشراقی ندارد ... این آئینه‌ها را که محروم از فیضند نباید بیگانه شمرد و اغیار شناخت و دشمن دانست. اغیار نباید شمرد، یار باید دانست و به تربیت ایشان پرداخت و دلسوزی کرد و غمخواری نمود و به اخلاق رحمانی دلالت کرد تا آن غبار از صفحات آن مرایا زائل شود و اشعه ساطعه شمس حقیقت بدرخشد."

* یکی از خوانندگان ما به نقل قول از یک بانوی بهائی می‌نویسد که این خانم چند سال پیش به عشق آباد سفر کرد و تلاش نمود تا مرقد برادر خویش را که ۵۷ سال پیش در ۲۰ سالگی به ملکوت ابهی صعود نموده بود در گلستان جاوید پیدا کند. سرانجام مرقد مذکور را بی آنکه گزندی دیده باشد پیدا کرد و بر سنگ مرقد پس از عبارت هوالباقی قید شده که ذبیح‌الله ابن زینل محمداف نوزدهم می ۱۹۲۴ به سماء باقی شتافت. این خانم در سال گذشته سفری به ایران می‌نماید و تلاش فراوان می‌کند تا مراقد پدر و مادر و دیگر عزیزان خود را در طهران بیابد و لکن اثری نمی‌یابد چون ستمگران آنها را با خاک یکسان کرده‌اند. این خانم با اشک و آه اظهار می‌داشت که در رژیم کمونیست‌های ظاهراً بی‌دین مرقد برادرم پس از ۵۷ سال هنوز باقی است و لکن در سرزمینی که در آن ادعای ایمان و دیانت می‌شود قبر عزیزان ما را با خاک یکسان می‌کنند.

- پیام بهائی با این خانم و سایر عزیزانی که به این گرفتاری دچارند همدرد است. سنگ و خاک از بین رفتنی است، ارواح این نفوس مقدسه در ملکوت الهی بی‌زوال است. نامه آقای هوشنگ مجیدی را هم بخوانید و برای هدایت

ظالمان دعا کنید.

* جناب رحمت الله بدیعی هنرمند گرامی اطلاع می‌دهند که اخیراً يك عدد کاست به نام "ره آورد" حاوی موسیقی ایرانی همراه با اشعار امری توسط ایشان و اعضای ارکستر ایشان که خواننده آن دخترشان خانم پریسا بدیعی (ذبیحی مقدم) هستند تهیه شده که درآمد خالص آن تقدیم صندوق ساختمان‌های کرمل خواهد شد. بهای هر نوار با هزینه پست ۲۵ مارك یا ۲۵ فلورن است و می‌توان آن را از نشانی زیر درخواست کرد:

R. Badiyi
Briljantstr. 371
9743 NN-Groningen Holland

* اخیراً دو اثر تازه از جناب دکتر هوشنگ خضرائی از دانشمندان پرجاهل بهائی مقیم استرالیا منتشر شده یکی "تحلیلی از مبادی اخلاق در دیانت بهائی" و دیگر "مفهوم عهد در دیانت بهائی" که امیدواریم در آینده به معرفی آنها بپردازیم.

* از خانم‌ها و آقایان شریفه مهاجر جاسبی، دکتر داریوش معانی، هوشنگ گهرریز، حیدرعلی غیائی، الیگان اخوان، روح‌الله ثنائی، عباس بیضائی، نجات‌الله عنایتی، جهان‌آراء باهر یورگیچ، سیمین درخشانی اصفهانی (رضوانی)، مهین سعیدنیا، یدالله مشرف‌زاده ثانی، زرین‌تاج ثابت، شاهرخ ماخانیان، ابوالفضل رحمانی، فرنکیس راضی پگادانی مهاجر نخجوان آذربایجان، فروزنده اتباش (بیضائی) و فرزندشان سروش، بلبل معانی، غلامعلی داودی، هما مودت، ژیللا سید محمود، سعیدالله ارجمند، مهری روحانی، پریچهر قارداشم که اخبار مدارس تابستانه و کلاس‌ها و مجامع ادبی گوناگون، فعالیت‌های تبلیغی و غیره و یا شعر فرستاده‌اند کمال سپاسگزاری را داریم.

اخبار و بهائیات جهان بهائی

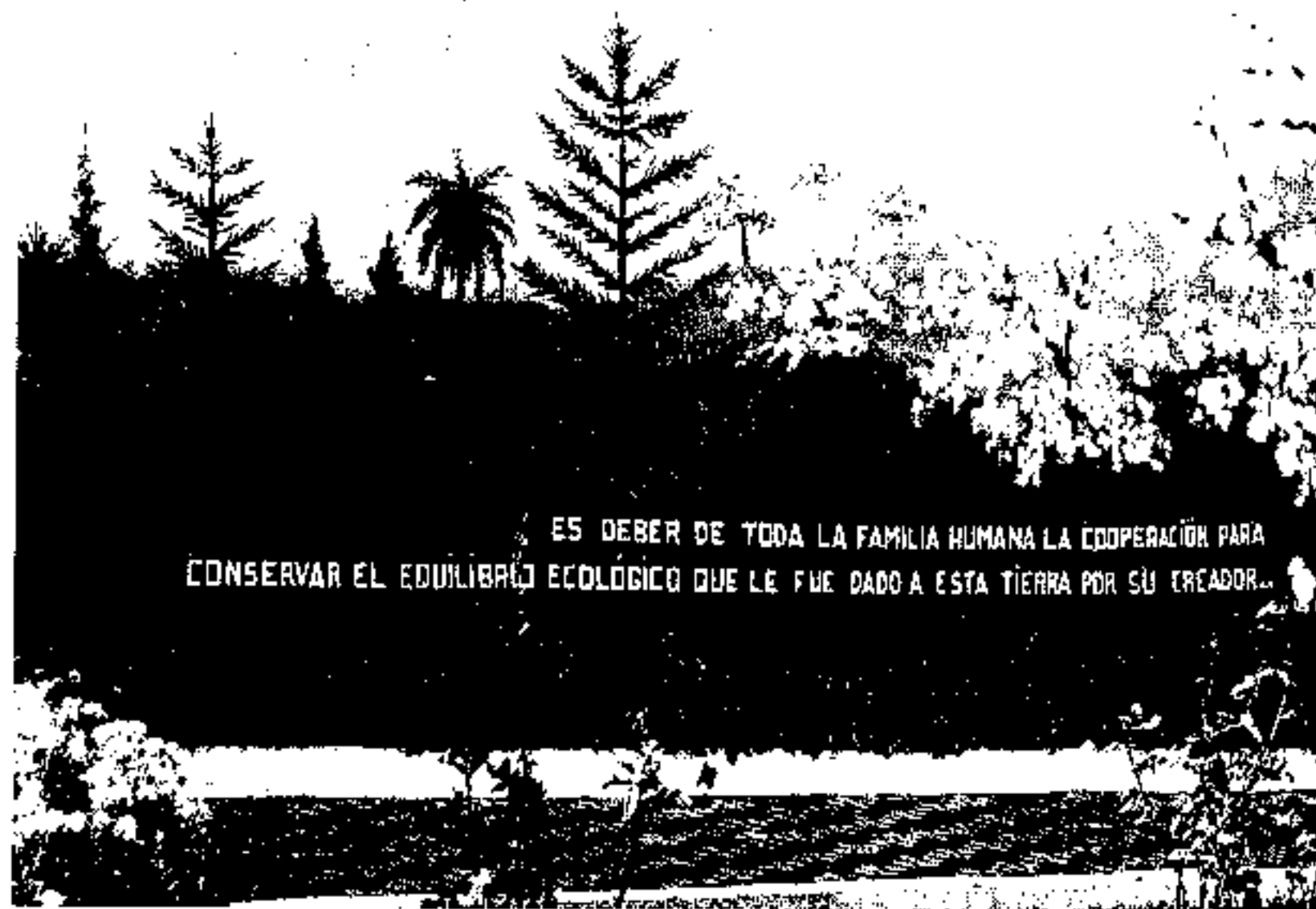
کنفرانس جهانی زنان در پکن

بنا به آخرین گزارشی که از چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن رسیده این کنفرانس وسیع‌ترین اجتماعی بوده که تاکنون از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شده بدین معنی که ۱۷ هزار نفر در آن شرکت کرده‌اند از جمله ۵ هزار نماینده از ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل، ۳ هزار نماینده مطبوعات و ۴ هزار نماینده سازمان‌های غیر دولتی. کنفرانس با قبول یک اعلامیه و یک برنامه، اقدامات مربوط به آنچه در ۵ سال آینده باید به انجام رساند به کارهای خود پایان داد. برنامه، اقدامات شامل ۶ فصل است. حدود ۴۶۰ نفر از بهائیان جهان (از ۵۰ کشور مختلف) در کنفرانس حاضر بودند و در همه فعالیت‌های آن و همچنین در کنفرانس موازی سازمان‌های غیر دولتی شرکت مؤثر داشتند. در یکی از اعلامیه‌های بهائی گفته شده است: «در حالی که

ده درصد اعضای پارلمان‌های جهان را زنان تشکیل می‌دهند در جامعه، بهائی سی درصد اعضای محافل روحانی ملی از زنان ترکیب شده‌اند.»

اخباری از جزائر قناری

بنا به گزارش جناب عیسی طاهری در روز محیط زیست از طرف جامعه بهائی جزیره، سانتاکروز قناری، Santa Cruz با مشارکت شهرداری و سایر مقامات دولتی در بهترین میدان شهر جشن با شکوه و بزرگی برپا شد که حدود سیصد و پنجاه نوجوان از سن ۵ تا ۱۵ سالگی برای نقاشی و سایر کارهای دستی و آموزشی در آن مشارکت نمودند و جوایز بسیاری بین آنها تقسیم شد. با مشارکت شهردار و نماینده جامعه بهائی درختی کاشته شد و نقاش بهائی جناب لؤلؤئی دیوار بزرگی را در همان میدان نقاشی نمود که مورد توجه عموم واقع گشت. شرح



نقاشی جناب
محسن لؤلؤئی بر
دیوار شهر
سانتاکروز در
جزائر قناری

پیام بهائی

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی
فرانسه برای بهائیان

*
سال هفدهم، شماره یازدهم
شماره مسلسل ۱۹۲
شهرالمعلم - شهرالقدرة - شهرالقول ۱۵۲
آبان - آذر ۱۳۷۴

*
نشانی هیئت تحریریه برای ارسال مقالات و
نامهها و پیشنهادات

P.O. Box 106
1211 Geneve 25, Switzerland

*
نشانی برای ارسال حق اشتراك، نامههای
مربوط به امور اشتراك و تغییر نشانی

Payam-i-Baha'i

B.P. 9

06240 Beausoleil

FRANCE

Fax: 33-93-784418

*
حق اشتراك سالیانه برای همه کشورها
۲۲۰ فرانك فرانسه است. تقاضا دارد با
حواله پستی یا با چك بانكي به فرانك
فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانك به
شماره حساب زیر حواله گردد:

Payam-i-Baha'i

No 30003/01500-00037261910-30

Bank Societe Generale

8 Av. J.Medecin

06000 Nice, France

کلیه اشتراكها در اول هر سال میلادی
تجدید می گردد.

Payam-i-Baha'i

Publie par l'Assemblee spirituelle

Nationale des Baha'is de France.

45 Rue Pergolese,

75116 Paris, FRANCE

این اقدام به نام جامعه بین المللی بهائی در ۴ رادیو منتشر
گردید و نیز در تلویزیون محلی ضمن اخبار پخش شد.

اجتماع نوجوانان سوئد

مخبر ما آقای هادی افصحی (از سوئد) گزارش می دهد:
به دعوت لجنة نوجوانان سوئد تعداد ۲۹ نفر از نوجوانان
بین ۱۰ تا ۱۵ سال از کلیه نقاط سوئد در شهر کارلستاد
Karlstad از تاریخ ۱۶ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۹۵ جمع شدند.
برنامه کلی در مورد دعا و مناجات و تاریخ امر بود.
برنامههای تفریحی و ورزش دسته جمعی نیز برای نوجوانان
در نظر گرفته شده بود تا با هم بیشتر آشنائی پیدا نمایند.
در ضمن، نوجوانان تعهد نمودند که در روز دعای زنجیره ای
که در تاریخ ۲۲ ژوئیه از طرف شورای اروپائی جوانان
بهائی European Baha'i Youth Council جهت جوانان
سوئد در نظر گرفته شده بود داوطلبانه شرکت نمایند.

حظیره القدس باکو

بنا به گزارش جناب سناء الله ستارزاده (هامبورگ)
دوستان بهائی باکو يك محلّ برای حظیره القدس ابتیاع
کرده اند که هر روز مدت ۲-۳ ساعت درس انگلیسی برای
نوجوانان بهائی و غیر بهائی در آن داده می شود و اولیای
اطفال هم فرصت کسب اطلاع از امر مبارک را پیدا
می کنند.

اطلاعیه

مدرسه تابستانه بهائیان افریقای جنوبی در فاصله ۲۳ تا
۲۹ دسامبر ۹۵ در محلّ زیبای دانشگاه نرث وست (شمال
غربی) در قلب Mmabatho در سیصد کیلومتری پایتخت
ژوهانسبورگ تشکیل خواهد شد. هزینه کامل این مدت
جمعاً برای هر نفر معادل ۲۶۰ دلار امریکائی است. یاران
برای نام نویسی می توانند با آدرس زیر مکاتبه نمایند:

The National Youth Committee

P. O. Box 34603

Groote Schuur, 7937 - South Africa

امیدواریم که شرکت کنندگان از اروپا و امریکا فراوان
باشند.

از مشترکین گرامی تقاضا میکنیم حق اشتراك سال
۱۹۹۵ را هرچه زودتر بپردازند و اگر احتمالاً از
سالهای ماقبل نیز بدهی دارند آنرا نیز پرداخت نمایند

